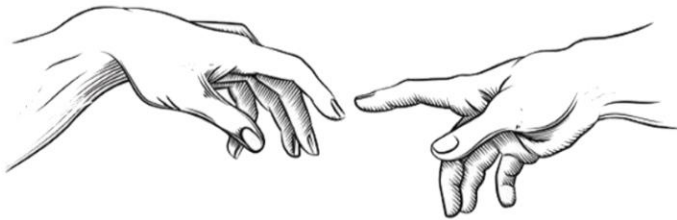


# افيون اديان



احمد روغنی

# افیون ادیان



روحانیون افیون ادیان هستند، برخی گمان می کنند که ایده و اجرای جدایی دین از سیاست حاصل روشنفکران غربی بوده است، اما غافل از اینکه هزاران سال است که روحانیون دین را از سیاست جدا کرده اند، عقاید و ایدئولوژی خود را تحت عنوان دین به مردم القاء کرده اند، در واقع علت بعثت پیامبران هم مبارزه با همین روحانیون بوده است و در قرآن به مواجهه پیامبر با روحانیون مسیحی و یهودی و خصومت آنها با پیامبر به تفصیل پرداخته شده است

سر شناسه و تاریخ نشر : روغنی ، احمد ۱۴۰۳ مهـر

عنوان و پدیدآور : افیون ادیان / احمد روغنی

مشخصات ظاهری : ۱۰۴ صفحه ، A5

موضوع : بررسی نقش روحانیون در سکولاریسم

Mr.Ahmad.Roghani62@Gmail.com



- پیشگفتار ----- ۶
- ایدئولوژی و روحانیون ----- ۹
- افیون ادیان ----- ۱۰
- توهم حقیقت مطلق ----- ۱۲
- روحانیون توتالیتاریسم ----- ۱۵
- آزادی و دموکراسی ----- ۱۹
- افیون مردم و جامعه ----- ۲۰
- تکبر و مقام پرستی ----- ۲۸
- سرپیچی شیطان و رانده شدن از بهشت ----- ۲۹
- حمایت کلیسا از پادشاهان ----- ۳۸
- فساد در میان روحانیون ----- ۴۱
- جنبش اصلاحات پروتستانی ----- ۴۳
- جنبش های آزادی خواه و سکولار ----- ۴۴
- فساد و سوء استفاده کلیسا ----- ۴۶
- نقش فناوری در اعتراضات ----- ۵۱
- مهمترین نتایج این قیام ها ----- ۵۲

- زمینه های تاریخی ایده جدایی دین از سیاست-----۵۵
- روشنگری و شکل گیری سکولاریسم -----۶۰
- نمونه های تاریخی جدایی دین از سیاست-----۶۲
- اسلام - روحانیون - دموکراسی -----۶۹
- استفاده از دین برای توجیه قدرت سیاسی-----۷۹
- اختلاس و سوء استفاده مالی -----۸۶
- نقش روحانیون در آخر الزمان -----۹۲
- علت مخالفت روحانیون با امام زمان-----۹۴
- تاثیر مخالفت علما بر جامعه -----۹۷
- احکام -----۹۹
- نکته پایانی -----۱۰۳
- منابع -----۱۰۸



## افیون ادیان

### پیشگفتار

روحانیون افیون ادیان هستند، برخی گمان می کنند که ایده و اجرای جدایی دین از سیاست حاصل جنبش روشنفکران غربی بوده است، اما غافل از اینکه هزاران سال است که روحانیون دین را از سیاست جدا کرده اند تا عقاید و ایدئولوژی های خود را تحت عنوان دین به مردم القاء کنند، در واقع علت بعثت پیامبران هم مبارزه با همین روحانیون بوده است و در قرآن به مواجهه پیامبر با روحانیون مسیحی و یهودی و خصومت آنها با پیامبر به تفصیل پرداخته شده است.

مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ  
فَرِحُونَ ﴿٣٢﴾ سوره روم



همان کسانی که دینشان را بخش بخش کردند و [سرانجام] گروه گروه شدند، در حالی که هر گروهی به آنچه [از بخشی از دین] نزد آنان است [به تصور اینکه حق است] شادمانند!

7 | افیون ادیان

رَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ ﴿١٣﴾ سوره شوری

از دین آنچه را به نوح سفارش کرده بود، برای شما تشریح کرد و آنچه را به تو وحی کردیم؛ و آنچه ابراهیم و موسی و عیسی را به آن توصیه نمودیم [این است] که دین را برپا دارید و در آن فرقه فرقه و گروه گروه نشوید. بر مشرکان دینی که آنان را به آن می خوانی گران است. خدا هر کس را بخواهد به سوی [این] دین جلب می کند، و هر کس را که به سوی او بازگردد هدایت می کند

هزاران سال است بشر مسیرهای اشتباه را طی می کند و در بسیاری از موارد دچار بد فهمی و برداشت غلط از موضوعات شده است و همین سبب شده خطاهای خود را تکرار کند، چون خطا را به درستی شناسایی نکرده، و دست به درمان اشتباه زده اند، و به غلط چیزهای درست را حذف کرده ولی علت اصلی مشکلات را شناسایی نکرده است.

این خطاها باعث شده مردم و جوامع به سمت سکولاریسم جذب شوند و در دوره ای دیگر دین را افیون توده ها بدانند، نمونه ای از این خطاها که توسط خود سکولارها ، داعیه داران جدایی دین از سیاست صورت گرفته و دهه هاست که حمایت های مادی و معنوی خود را از این خطا دریغ نکرده اند، تشکیل حکومت دینی و قومی برای یهودیان بود، غرب باعث تشکیل حکومت یهودی در سرزمین هایی که مردم آن مسلمان هستند شد ، بابت دلجویی از کشتار یهودیان که توسط غربی ها صورت گرفته بود ، به قول معروف

گنه کرد در بلخ آهنگری / به شوشتر زدند گردن مسگری ،  
این تناقض ها نشان از مسیر اشتباهی ست که قرن هاست

در حال طی شدن است. شاید هم غرب در نقش یهودا ظاهر شده ، همان گونه که یهودا که جزو حواریون عیسی مسیح بود ، به وی خیانت کرد و محل اقامت عیسی و حواریون را به روحانیون یهودی و رومیان لو داد ، غرب نیز در نقش حواری اسرائیل، سبب رویارویی یهودیان و مسلمانان شده است تا به نوعی از هر دو انتقام بگیرند، هم بابت عیسی و هم جنگ های صلیبی، زیرا چشم پوشی غربی ها از این سرزمین و بخشش آن به صهیونیست ها منطقی به نظر نمی رسد.

## ایدئولوژی و روحانیون

ایدئولوژی و روحانیون افیون توده ها هستند. منظور از روحانیون، تمام ایدئولوژی پردازان هستند، زیرا آنها خود را در جایگاه خدا می بینند، حتی اگر به وجود خدا اعتقادی نداشته باشند و منکر وجود خدا باشند همانند مارکس، ایدئولوژی را همچون خمیر در دستان خود ورز می دهند و آن را در هر زمانی به شکلی که منافعشان را تامین کنند در

می آورند. ایدئولوژی‌شان بسیار خشن است و از مردم طلب چیزهایی را می کنند که حتی خدا از بندگانش چنین چیزی طلب نکرده است.

ایدئولوژی های خود را تبدیل به دین کرده اند و مخالفان خود را طرد، تحقیر و آزار می دهند و هیچ انتقادی را بر ایدئولوژی خود نمی پذیرند، آنها نسخه ای را برای مردم پیچنده اند که خود به آن عمل نمی کنند.

## افیون ادیان

افیون ادیان، روحانیون هستند، روحانیون فرصت طلب و دنیا پرست ، که فقط به دنبال شهوت پرستی هستند، خود را زاهد نشان می دهند ولی فاسقند، مردم را به قناعت دعوت می کنند ولی بیت المال و بخشی از دارایی های مردم را در پوشش دین می بلعند، ایدئولوژی را برتر از کتاب خدا می دانند. زیرا هر روز چهار چوب های ایدئولوژی را با توجه به نیازهایشان تغییر می دهند و این تغییرات را به بهترین شیوه

توجیه می‌کنند. البته روحانیون آیات خدا را هم با توجه به نیازهایشان هر روز به نوعی تفسیر می‌کنند تا به انگیزه های دنیوی برسند. با این وجود، باز هم کتاب خدا را به پشت سر می‌اندازند، مدعی چیزی هستند که نیستند، به وضوح می‌توان گرایش روحانیون به کمونیسم را حس کرد زیرا تمامیت خواه هستند و خود را در جایگاه خدا می‌بینند.

علت علاقه روحانیون به ایدئولوژی کمونیسم، این است که ایدئولوژی به جای ارائه راه‌حل‌های علمی و منطقی برای مشکلات جامعه، به توهمات و وعده‌های غیرواقعی متوسل می‌شوند. در ظاهر با کمونیسم مخالفند ولی در باطن به آن عمل می‌کنند. روحانیون ایدئولوژی‌های افراطی خود را به عنوان حقیقت مطلق معرفی می‌کنند و هرگونه نقد و مخالفت را سرکوب می‌کنند. این ایدئولوژی‌ها به جای پذیرش پیچیدگی‌های واقعیت، به ساده‌سازی و تحریف آن می‌پردازند. روحانیون باور دارند که تنها آن‌ها به حقیقت دست یافته‌اند و هر دیدگاه دیگری نادرست یا گمراه‌کننده است و باید همه در جهت ایدئولوژی‌های آن‌ها حرکت کنند،

این توهم در زمینه‌های مختلفی مانند دین، سیاست، علم و فلسفه وجود دارد.

### توهم حقیقت مطلق :

۱-عدم تحمل نقد : روحانیون تمام ادیان به توهم حقیقت مطلق دچار هستند، معمولاً نقد و مخالفت را تحمل نمی‌کنند و هرگونه نقد را به‌عنوان حمله به حقیقت خود می‌بینند.

۲-تعصب و جرم‌اندیشی : روحانیون به شدت به ایدئولوژی‌های خود پایبندند و هیچ‌گونه انعطافی در پذیرش دیدگاه‌های دیگر ندارند، به طوری که به جای پیروی از عقلانیت و تفکر نقادانه ، دچار نوعی جرم‌اندیشی و قضاوت‌های نادرست درباره جامعه و مسائل آن می‌شوند، ایدئولوژی در وجودشان همچون افیون عمل کرده و دچار اعتیاد به یک نوع تفکر و ایدئولوژی شده اند که مانع دیدن

واقعیت ها می شود تا جایی که آنها را به سوی تعصب و تحلیل های جانبدارانه سوق می دهد.

۳- تقابل و نزاع : توهم حقیقت مطلق به تقابل و نزاع میان گروه های مختلف منجر شده است، زیرا روحانیون فقط خود را صاحب حقیقت مطلق می دانند و دیگران را گمراه می پندارند، البته روحانیون در بین خود نیز به فرقه های فراوانی تبدیل می شوند ، که هر کدام خود را حق و ما بقی را ضاله می نامند

-در دین : روحانیون بر این باور هستند که تنها تفسیر آن ها از دین صحیح است و دیگر تفسیرها نادرست یا حتی خطرناک هستند. این کار منجر به نزاع های مذهبی و حتی خشونت منجر شده. البته روحانیون برای فرار از پاسخگویی بیشتر بر روی ایدئولوژی مانور می دهند.

- در سیاست : در سیاست نیز روحانیون معتقدند تنها ایدئولوژی آن ها می تواند مشکلات جامعه را حل کند و دیگر ایدئولوژی ها نادرست هستند. این موضوع به قطبی شدن جامعه و کاهش تحمل و تفاهم منجر شده است و اما بعد از

شکست سیاست هایشان آن را بر گردن مردم می اندازند در کل دستگاه های عظیم تبلیغاتی روحانیون طوری القا می کنند که روحانیون بری از خطا و اشتباه هستند و تمامی مشکلات در طول تاریخ از مردم و مسئولین غیر روحانی نشئت می گرفته است.

-در علم : در علم نیز روحانیون به توهم حقیقت مطلق دچار هستند و باور دارند که تنها نظریه یا روش آن ها صحیح است و دیگر نظریه ها نادرست هستند. این به کاهش نوآوری و پیشرفت علمی منجر شده مخصوصا در دوره هایی که روحانیون صاحب قدرت مطلق هستند.

-توتالیتاریسم : ایدئولوژی های افراطی روحانیون به توتالیتاریسم منجر شده ، این ایدئولوژی ها با وعده های بزرگ و جذاب، مردم را جذب می کنند، اما در عمل به سرکوب آزادی ها و حقوق فردی می پردازند و وعده ها هم هرگز عملی نمی شوند. آن ها با گذشت زمان حتی دست به سانسور وعده های خود می زنند و منکر وعده هایی که داده اند می شوند و یا دست به تفسیر ایدئولوژی اشان می زنند تا



کارهایشان را در پس پرده تفسیر توجیه کنند، توتالیتاریسم یا تمامیت‌خواهی به نوعی از حکومت و نظام سیاسی است که در آن روحانیون کنترل کامل و مطلق بر تمامی جنبه‌های زندگی عمومی و خصوصی مردم دارند، تا آنجا که حتی زاد و ولد مردم را نیز کنترل می‌کنند به طوری که در دوره‌ای که نیاز به سرباز داشتند تشویق به فرزند آوری می‌کردند و در دوره پسا جنگ، کسانی که دارای فرزندان زیادی بودند توهین و تحقیر می‌کردند. حتی پا را فراتر نهاده و از فرهنگ جهاد و شهادت نیز در جهت پیشبرد اهداف خود همواره استفاده می‌کنند.

این نوع حکومت با استفاده از قدرت و ایجاد وحشت در جامعه، در کلیه امور اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و آموزشی به شکلی انحصاری دخالت می‌کند.

### روحانیون توتالیتاریسم

روحانیون با کنترل کامل دولت در تمامی جنبه‌های زندگی مردم ورود کرده اند و هیچ‌گونه اقتدار و قدرت تصمیمی برای افراد باقی نمی‌گذارند و با در دست گرفتن گلوگاه‌های

مهم دولت و حکومت کاری کرده اند که اگر بر حسب اتفاق و یا یک شخص غیر روحانی به مسئولیت رسید باز هم بدون نظرات آنها کاری از پیش نبرند.

روحانیون با استفاده از ترس و وحشت به عنوان ابزاری برای کنترل مردم و سرکوب مخالفان خود استفاده می کنند.

و با استفاده از تبلیغات وسیع و دروغین برای ترویج ایدئولوژی حکومت و بی‌حیثیت کردن مخالفان استفاده می کنند و در پوشش دین به مخالفان خود تهمت می زنند و آنان را کافر، جاسوس و وطن فروش جلوه می دهند و با قداست بخشیدن به مقام روحانیت و ترویج شخصیت پرستی بدون توجه به تناقضها و واقعیات عینی، مردم را تشویق به تبعیت کورکورانه از ایدئولوژیها و رهبران سیاسی می کنند.

روحانیون به دلیل نقش و جایگاه اجتماعی خود، اغلب باید منتقد باشند و تلاش کنند تا ایدئولوژیها و رژیمهای سیاسی را از دید اجتماعی و واقع‌گرایانه نقد کنند. اما در عمل، بسیاری از آنها به دنبال شخصی سازی قدرت و ایجاد چهره‌های قدیس‌گونه از رهبران سیاسی-مذهبی هستند که

به شکلی افراطی مورد ستایش قرار می‌گیرند. این نوع رفتار بیشتر در رژیم‌های کمونیستی و توتالیتر مانند اتحاد جماهیر شوروی و شخصیت‌هایی همچون استالین یا مائو دیده می‌شود. روحانیون به جای تحلیل دقیق و انتقادی، به ترویج و تقویت کیش شخصیت رهبران می‌پردازند و در نهایت، با توجیه کردن اقدامات سرکوبگرانه و استبدادی این رهبران، نقش خود را در شکل‌گیری رژیم‌های توتالیتر ایفا می‌کنند.

این کیش شخصیت باعث می‌شود که رهبران به عنوان شخصیت‌های فرهمند و بی‌عیب و نقص جلوه کنند، در حالی که هرگونه انتقاد یا مخالفت با آن‌ها به عنوان خیانت یا عدم وفاداری تلقی می‌شود.

روحانیون به جای نگاه انتقادی و شکاکانه به قدرت، به نوعی شیفته قدرت و رهبری‌های کاریزماتیک در رژیم‌های توتالیتر شده‌اند. در نتیجه، آن‌ها با چشم‌پوشی از واقعیات تلخ و دردناک، رهبران سیاسی را به‌گونه‌ای قدیس‌گونه می‌پرستند و ستایش می‌کنند، روحانیون مدعی اند که می‌توانند پاسخی برای همه مشکلات جهان ارائه دهند و خود را به عنوان

نمایندگان توده‌های مردم و عاملان تغییرات بزرگ اجتماعی معرفی کردند، غافل از آنکه قادر به اداره خانواده خود نیز نیستند ولی با استفاده از ابزار تبلیغات، کنترل و سانسور شدید رسانه‌ها، اینترنت، مطبوعات و کتب به طور گسترده، زندانی کردن و شکنجه مخالفان سیاسی و افرادی که از حکومت انتقاد می‌کنند به منظور ساختن یک تصویر مثبت و بی‌عیب و نقص از خود استفاده می‌کنند.

روحانیون با ابزار کیش شخصیت اغلب از احساسات اخلاقی جامعه سوءاستفاده می‌کند، به همین دلیل مردم به امید حمایت از عدالت اجتماعی و بهبود وضعیت کارگران و فقرا، از روحانیون حمایت می‌کنند، در حالی که این آن‌ها به طور مکرر اصول آزادی و عدالت را نقض می‌کنند.

به طور کلی، کیش شخصیت به عنوان یک ابزار ایدئولوژیک به روحانیون این امکان را می‌دهد که به جای پاسخگویی به تناقض‌های عینی، مردم را به تسلیم بی‌قید و شرط وادارند. به همین دلیل روحانیون واقعی باید همیشه از قدرت و

حکومت فاصله بگیرند و استقلال خود را حفظ کنند تا به نقش  
نقادانه و مستقل خود به حکومت بازگردند.

۷- انتخابات نمایشی : برگزاری انتخابات غیرآزاد و نمایشی  
برای نشان دادن رضایت مردم از حکومت.

## آزادی و دموکراسی

از آزادی و دموکراسی باید در برابر روحانیون و  
ایدئولوژی‌های افراطی آن‌ها محافظت شوند. عموم مردم  
باید بر اهمیت تحلیل منطقی و علمی مسائل و پذیرش  
پیچیدگی‌ها و واقعیت جامعه آگاه شوند. اینها چیزهایی است  
که روحانیون اصلاً اعتقادی به آن ندارند.

آزادی سبب توانایی عموم مردم جامعه برای انجام اعمال و  
تصمیم‌گیری‌های خود بدون محدودیت‌های غیرضروری می  
شود و باعث می‌شود مردم نظرات و عقاید خود بدون ترس  
از مجازات بیان کنند.

البته این مسائل در جوامعی که روحانیون قدرت را در دست دارند چیزی شبیه رویا است. آزادی و دموکراسی به طور نزدیکی با هم مرتبط اند. دموکراسی بدون آزادی‌های اساسی نمی‌تواند به طور کامل اجرا شود و آزادی بدون دموکراسی ممکن است. در یک نظام دموکراتیک، آزادی‌های اساسی مانند آزادی بیان، آزادی تجمع و آزادی انتخاب باید محترم شمرده شوند تا مردم بتوانند به طور مؤثر در فرآیندهای سیاسی شرکت کنند و نمایندگان خود را انتخاب کنند.

## افیون مردم و جامعه

نادانی افیون دین مردم است، نادانی در ادیان سلاحی ست برای سوء استفاده از مردم ، و وقتی مردم از نادانی خارج می شوند به دین بد بین و سکولار می شوند و فرقی بین دین واقعی و دینی که روحانیون از نزد خود برای پیشبرد اهداف دنیوی ساخته بودند قائل نمی شوند.

قرآن کریم در سوره آل عمران آیه ۱۸۷ می فرماید:

وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَتُبَيِّنُنَّهُ لِلنَّاسِ وَلَا  
تَكْتُمُونَهُ فَنَبَذُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ وَاشْتَرَوْا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَبَسَّ مَا  
يَشْتَرُونَ ﴿١٨٧﴾

و [یاد کن] هنگامی را که خداوند از کسانی که به آنان کتاب داده شده پیمان گرفت که حتما باید آن را [به وضوح] برای مردم بیان نمایید و کتمانش نکنید پس آن [عهد] را پشت سر خود انداختند و در برابر آن بهایی ناچیز به دست آوردند و چه بد معامله ای کردند (۱۸۷)

روحانیون برخلاف امر خدا، خانه های خدا (مساجد، معابد، کنیسه ها و کلیساها و...) را تبدیل به کاخ ها کرده اند و با طلا و نقره زینت داده اند و در کنار این خانه ها برای زندگی دنیوی خود نیز قصرها بنا کرده اند ولی مردم رو توصیه به زهد و تقوا می کنند و فساد خود را به گردن مردم می اندازند، حتی مقبره های خود را هم از مقبره فراعنه باشکوه تر

ساخته اند و آن‌ها را با طلا و نقره زینت داده اند، دقیقاً همان چیزهایی که پروردگار بندگان را از آن‌ها نهی کرده بود و برای توجیه فساد خود آرامگاه‌های ائمه را نیز با زر و سیم آراستند، و سطح دین را به قدری پایین آورده اند که در اشعار و سخنرانی‌های مذهبی به جای توجه به شخصیت ائمه و پیامبران، اهداف و ماموریت آنها، چیزهایی امثال الهی قربون گنبد طلات بشم یا قربون ایوان طلات بشم توسط شعرا سروده می‌شود یا از قد و قامت و چشمان دلربا ائمه می‌گویند به طوری که دین را به ابتذال کشیده اند.

قرآن کریم در سوره توبه از آنان به عنوان منافق یاد کرده

وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ  
وَإِرْصَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَلَيَحْلِفُنَّ إِنْ أَرَدْنَا  
إِلَّا الْحُسْنَیَ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ﴿١٠٧﴾

و [از منافقان] کسانی هستند که بر پایه دورویی و نفاق، مسجدی ساختند برای آسیب رساندن و ترویج کفر و تفرقه افکنی میان مؤمنان و کمین‌گاهی برای [گردآمدن] کسانی که پیش از این با خدا و پیامبرش جنگیده بودند، سوگند سخت



می خورند که ما با ساختن این مسجد جز خوبی [و خدمت]  
قصدی نداشتیم، ولی خدا گواهی می دهد که بی تردید آنان  
دروغگویند.

لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا لِمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَىٰ مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ  
تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ  
الْمُطَهَّرِينَ ﴿١٠٨﴾

هرگز [برای عبادت و نماز] در آن مسجد نیست، قطعاً  
مسجدی که از نخستین روز بر پایه تقوا بنا شده شایسته تر  
است که در آن [به نماز و عبادت] بایستی، در آن مردانی  
هستند که خواهان پاکیزگی [و طهارت جسم و جان] هستند؛  
و خدا پاکیزگان را دوست دارد.

پیامبران تمام توان خود را بر آگاه کردن و هدایت مردم می  
گذاشتند ولی کسانی که امروز خود را وارث ائمه می دانند ،  
حفظ بقای خود را در نادانی و خرافات مردم می دانند زیرا  
نحوه زیست آنها هیچگونه شباهتی به پیامبران و ائمه ندارد  
، نه در اخلاق نه پوشش نه زندگی ، امروزه وارثان فرعون

و نمرود در پوشش دین خود را وارث پیامبران معرفی می کنند. با نگاهی به اخلاق پیامبران متوجه می شویم که روحانیون توجهی به آن ندارند و برعکس پیامبران به تن پروری و مال اندوزی و اوقاف خواری ، زمین خواری و... مشغولند ، متاسفانه همان طور که بر سر فدک خلیفه با حضرت فاطمه برخورد کرد و فدک را تصاحب کرد ، امروزه نیز برخی روحانیون با بهانه های مختلف صاحب اموال مردم و اوقاف می شوند در حالی که اوقاف کنندگان فرزندانشان یا اشخاصی با ویژگی های خاص را مسئول اداره آن کرده بودند و تمامی این پول ها را صرف تن پروری و دنیا پرستی می کنند. این گونه اعمال در دوره های مختلف ضربه های سهمگینی به ادیان زده است مثلا:

این اقدامات باعث قیام علیه کلیسا در غرب شد، همچنین همین سوء استفاده های روحانیون باعث ظهوری شخصی مثل رضا خان در ایران شد ، اگر امروز متولیان واقعی دین به صحنه نیایند و جلوی انحرافات را نگیرند قطعا در آینده فرصتی دیگر به دست نخواهند آمد، البته با توجه به پیشینه

روحانیون سوء استفاده گر که شریک شاه بودند و رفیق مردم ، احتمال اینکه مثل قرن های گذشته در سایه و در کنار پادشاهان به حکومت ادامه دهند نیز هست.

عدم استقلال در حوزه دین و حمایت از قدرت توسط روحانیون برای گرفتن سهم و شراکت در قدرت باعث آسیب دیدن دین در طول تاریخ و در تمامی ادیان شده و قدرت طلبی و هوای نفس باعث انحرافات گسترده در دین شده به طوری که دائما پیامبرانی جهت اصلاح مبعوث می شدند که در ادامه به آن می پردازیم.

حرص روحانیون دینی در رسیدن به قدرت ، ثروت و شهوت باعث به خطر افتادن جایگاه ادیان شده است ، طبق آیات قرآن نیز عامل تفرقه و تحریف دین و گمراه کردن مردم توسط همین روحانیون صورت گرفته و در سوره آل عمران آیه ۷۸ به صراحت گفته شده که روحانیون مقاصد خودشان را جوری قرائت می کردند که مردم گمان کنند که از روی کتاب خدا می خوانند.

وَإِنَّ مِنْهُمْ لَفَرِيقًا يَلُودُونَ أَلْسِنَتَهُم بِالْكِتَابِ لِتَحْسَبُوهُ مِنَ الْكِتَابِ  
وَمَا هُوَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَقُولُونَ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَمَا هُوَ مِنْ عِنْدِ  
اللَّهِ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿٧٨﴾

و گروهی هستند که هنگام [خواندن] دست نوشته ها [ی  
دروغ و بر بافته های خود] زبان [و صدایشان] را چنان پیچ  
و خم می دهند تا شما گمان کنید که [آنچه می خوانند] از  
کتاب آسمانی است، در حالی که از کتاب [آسمانی] نیست؛ و  
[با بی شرمی] می گویند: آنچه می خوانیم از سوی خداست.  
در حالی که از سوی خدا نیست؛ و با آنکه می دانند [از سوی  
خدا نیست] به خدا دروغ می بندند. (٧٨)

روحانیون در قرون اخیر و عصر حاضر بیشتر به خادمان  
معابد شرک آلود شبیه اند تا به ...، این ولنگاری ها باعث شده  
جوامع به سمت سکولار شدن بروند، به بیانی دیگر مهمترین  
عامل سکولار شدن مردم ، روحانیون هستند.

روحانیون بزرگ ترین عامل تحریف و ورود خرافات به ادیان هستند ، حتی در انحراف و خرافات هم ابتکاری از خودشان ندارند ، با یک بررسی سطحی می توان پی به شباهت خرافات در ادیان برد.

سوار شدن بر موج خرافات ساده ترین راه برای غلبه بر فکر در جامعه است ، همچنین سوء استفاده های کلان از پول و مال مردم ، اشخاص ریا کار و تنبل را به سوی روحانی شدن سوق می دهد، به همین دلیل ادیان پر شده از نمادها و سنبل ها – خودزنی و ... اما دریغ از ذره ای تفکر، چون این به ظاهر علما از علم فقیر هستند و از مال غنی، نه خود چیزی از دین می دانند نه مردم ، دین را به هر صورت که بخواهند تفسیر می کنند و برای خود جایگاه الهویت قائلند.

کار به جایی رسیده که عزاداری به کسب و کاری پر درآمد در ادیان تبدیل شده و در ایران رسماً به یک صنعت بزرگ و پول ساز تبدیل شده است و در آن از ابزارهایی استفاده می شود که در قرآن به صراحت از آن به عنوان حرام یاد شده است ، اما تجارت را که در قرآن بارها بر روی آن تاکید

شده است به فراموشی سپرده شده و باعث به وجود آمدن این وضع در جامعه اسلامی و داعیه دار شیعه شده است.

### تکبر و مقام پرستی

با نگاهی به داستان شیطان، متوجه شباهت آن با روحانیون می شویم ، با آفرینش حضرت آدم (ع) و سرپیچی شیطان از فرمان الهی آغاز می شود. این داستان به روشنی در قرآن و احادیث اسلامی آمده و یکی از نکات مهم این داستان، نشان دادن نقش شیطان در گمراهی انسان‌ها و همچنین آزادی انتخاب و مسئولیت انسان در برابر گناهانش است.

پس از آفرینش جهان و همه موجودات، خداوند تصمیم گرفت تا انسان را بیافریند و او را خلیفه خود در زمین قرار دهد. در این زمان، خداوند از جنس خاک حضرت آدم (ع) را خلق کرد. پس از آفرینش، خداوند از روح خود در آدم دمید و به

فرشتگان و جنیان دستور داد تا بر آدم سجده کنند. این سجده نه به معنای عبادت آدم، بلکه به معنای تکریم و تعظیم نسبت به آفرینش او بود.

آیه ۳۴ سوره بقره به این واقعه اشاره دارد:

«و چون به فرشتگان گفتیم: "برای آدم سجده کنید"، همه سجده کردند، جز ابلیس که سر باز زد و تکبر ورزید و از کافران شد.»

البته ملائکه هم زمانی که خدا به آن‌ها اطلاع داد قصد آفرینش آدم را دارد سوالاتی مطرح شد که بعدها توسط خدا و آدم برطرف گردید.

### سرپیچی شیطان و رانده شدن از بهشت

ابلیس که از جنیان بود و تا آن زمان در میان فرشتگان مقامی بلند داشت، از این فرمان سرپیچی کرد. او با تکبر و غرور، از سجده بر آدم امتناع کرد و گفت که من برتر از آدم هستم، چرا که آدم از خاک آفریده شده، اما من از آتش. این

غرور و تکبر، اولین گناه ابلیس بود و او به خاطر این گناه از درگاه الهی رانده شد.

در آیه ۱۲ سوره اعراف، خداوند از ابلیس می‌پرسد:

«[خدا] گفت: چه چیز تو را بازداشت که سجده نکنی، در حالی که تو را [به آن] فرمان دادم؟ گفت: من از او بهترم؛ مرا از آتش آفریدی و او را از گل آفریدی.»

پس از سرپیچی، خداوند شیطان را لعنت کرد و او را از مقام بلندش در بهشت بیرون راند. اما شیطان از خداوند درخواست کرد که تا روز قیامت به او مهلت دهد تا انسان‌ها را گمراه کند. او سوگند یاد کرد که از هر راهی که بتواند، انسان‌ها را به گمراهی بکشانند و آن‌ها را از مسیر مستقیم الهی دور کند. خداوند به او اجازه داد، اما تأکید کرد که بندگان مخلص و پاکدل از وسوسه‌های شیطان در امان خواهند بود.

آیه ۱۴ و ۱۵ سوره حجر به این نکته اشاره دارد:



«[شیطان] گفت: مرا تا روزی که برانگیخته خواهند شد، مهلت ده. [خداوند] فرمود: تو از مهلت یافتگانی.»

روحانیون نیز از دستور خدا سرپیچی می کنند اما آن ها نیز همچون شیطان مهلت یافته اند البته کمتر از شیطان، روحانیون علاوه بر سرپیچی از خدا در پوشش دین مردم را نیز بی آنکه بدانند به سرپیچی پروردگار می خوانند تا از مردم بهره دنیوی ببرند که در سوره احزاب این گونه از آنان یاد شده:

وَقَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكُبَّرَاءَنَا فَأَضَلُّونَا السَّبِيلًا ﴿٦٧﴾

و می گویند: پروردگارا! همانا ما از فرمانروایان و بزرگانمان اطاعت کردیم، در نتیجه گمراهمان کردند.

وسوسه حضرت آدم و خروج از بهشت

پس از آفرینش حضرت حوا (ع) از جنس آدم و زندگی این دو در بهشت، شیطان به دلیل دشمنی با آدم، تصمیم گرفت آن ها را از بهشت بیرون کند. خداوند به آدم و حوا فرمان داده بود که از همه نعمت های بهشت بهره ببرند، اما از نزدیک

شدن به یک درخت خاص خودداری کنند. شیطان با فریب و وسوسه، آن‌ها را به سمت این درخت کشاند. او به آن‌ها گفت که اگر از این درخت بخورند، جاودانه خواهند شد و مانند فرشتگان خواهند شد.

آدم و حوا در اثر این وسوسه از آن درخت خوردند و به همین دلیل فرمان الهی را نادیده گرفتند. پس از این نافرمانی، خداوند آن‌ها را از بهشت بیرون کرد و به زمین فرستاد تا در آنجا زندگی کنند و با سختی‌ها و تلاش‌های دنیوی روبه‌رو شوند.

توبه حضرت آدم و دشمنی همیشگی شیطان با انسان پس از خروج از بهشت، حضرت آدم و حوا از کار خود پشیمان شدند و از خداوند طلب آمرزش کردند. خداوند توبه آن‌ها را پذیرفت، اما مقرر شد که نسل آن‌ها تا روز قیامت بر زمین زندگی کنند. در این مدت، شیطان به عنوان دشمنی

آشکار برای انسان‌ها شناخته شد و خداوند به انسان‌ها هشدار داد که فریب و سوسه‌های شیطان را نخورند.

آیه ۲۷ سوره اعراف به این هشدار اشاره دارد:

«ای فرزندان آدم! نکند شیطان شما را بفریبد، همان‌گونه که پدر و مادرتان را از بهشت بیرون راند و لباسشان را از آن‌ها برکند تا عورت‌هایشان را به آن‌ها بنمایاند...»

قرآن به صورت مکرر به انسان‌ها هشدار می‌دهد که از سوسه‌های شیطان بر حذر باشند و از راه‌های او دوری کنند. با این حال، انسان‌ها به وجود داشتن عقل و اراده، و توانایی انتخاب به سوی خیر یا شر، نادانی و اطاعت بی‌غید و شرط از کاهنان و روحانیون را برمی‌گزینند.

داستان شیطان در اسلام به چندین نکته مهم اشاره دارد:

آزادی انتخاب و مسئولیت انسان: انسان‌ها آزادند تا مسیر خود را انتخاب کنند، اما باید در برابر انتخاب‌های خود مسئول باشند یعنی کسی نمی‌تواند بگوید فلانی گفت من

اطاعت کردم ، انسان ها باید خود تحقیق و مطالعه کنند و از عقل خود بهره ببرند اگر قرار بود چند نفر فکر کنند و بقیه اطاعت کنند خدا به جای انسان ، گوسفند می آفرید.

وسوسه‌های شیطان بخشی از امتحان‌های زندگی دنیوی است و انسان‌ها باید با پایداری و تقوا از این امتحانات سربلند بیرون بیایند، ابلیس به دلیل غرور از درگاه الهی رانده شد و این نشان می‌دهد که هیچ‌کس نباید خود را برتر از دیگران بداند، حال آنکه روحانیون نیز به مثابه شیطان خود را برتر از دیگران می‌دانند، غرور و تکبر دارند ، حتی در جزئی ترین مسائل، جوری برنامه ریزی می کنند که دیگران به احترامشان بایستند یا اول سلام بدهند و ... با این تفاوت که شیطان علت برتریش را این می دانست که از آتش است و انسان از خاک اما دلیل تکبر روحانیون مشخص نیست، تکبری که حتی بیش از شیطان است.

از بلعم بن باعورا نیز در قرآن و تفسیرهای مرتبط با آن آمده است. این به عنوان مثالی از روحانی دیگری است که با وجود داشتن دانش و مقام بالا، از مسیر حق منحرف شد. بلعم باعورا در برخی تفاسیر به عنوان یک عالم و دانشمند دینی از قوم بنی اسرائیل معرفی شده است. داستان او به ویژه در تفسیر آیه ۱۷۵ و ۱۷۶ سوره اعراف بیان شده است.

بلعم باعورا مردی بود که به واسطه علم و ارتباطش با خدا، دعای مستجاب و مقام بزرگی در میان قوم خود داشت. گفته می‌شود او اسم اعظم خدا را می‌دانست و به همین دلیل توانایی داشت که دعاهایش مستجاب شود. بلعم در زمان حضرت موسی (ع) زندگی می‌کرد و در میان قوم بنی اسرائیل فردی معتبر و شناخته شده بود.

زمانی که حضرت موسی (ع) برای هدایت قوم بنی اسرائیل و نجات آن‌ها از ظلم و گمراهی فرعون قیام کرد، برخی از دشمنان موسی، به ویژه پادشاهی از دشمنان بنی اسرائیل، نزد بلعم رفتند و از او خواستند که بر علیه حضرت موسی

دعا کند و او را نفرین کند. با اینکه بلعم در ابتدا از این کار امتناع کرد، اما در نهایت به خاطر طمع، فشار و وسوسه‌های دنیوی، از مسیر حق منحرف شد و تصمیم گرفت علیه موسی دعا کند.

طبق روایات، بلعم بر الاغی سوار شد تا به مکان مشخصی برود و دعای خود را انجام دهد، اما الاغ از حرکت امتناع کرد. حتی گفته شده که الاغ به او گفت: "چرا می‌خواهی بر پیامبر خدا نفرین کنی؟" با این حال، بلعم با زور و اصرار به راه خود ادامه داد و در نهایت تلاش کرد تا بر حضرت موسی نفرین کند. اما در لحظه‌ای که شروع به دعا کرد، زبان او وارونه شد و به جای نفرین حضرت موسی، خود و قومش را نفرین کرد. این اتفاق نشانه‌ای از عذاب الهی بر او بود، زیرا با وجود دانش و نزدیکی به خدا، مسیر گمراهی را انتخاب کرده بود.

در سوره اعراف، آیه ۱۷۵ و ۱۷۶، به داستان بلعم به طور نمادین اشاره شده است. خداوند در این آیات می‌فرماید:

و بر آنان بخوان داستان آن کس را که آیات خود را به او دادیم ولی از آن‌ها بیرون رفت و شیطان او را دنبال کرد و از گمراهان شد. و اگر می‌خواستیم او را با آن آیات بالا می‌بردیم، اما او به زمین چسبید و از هوس‌های خود پیروی کرد. پس داستان او همچون داستان سگی است که اگر به او حمله کنی، زبانش را بیرون می‌آورد و اگر او را به حال خود رها کنی، باز هم زبانش را بیرون می‌آورد. این مثل قومی است که آیات ما را تکذیب کردند. پس این داستان‌ها را بیان کن، شاید بیندیشند.

این داستان در واقع هشدار است به انسان‌ها، به ویژه علما و افرادی که در جایگاه علم و مقام دینی قرار دارند.

در اسلام، بلعم به عنوان نمونه‌ای از کسانی که به جای استفاده از علم و قدرت خود برای هدایت مردم، از آن سوءاستفاده کردند، ذکر شده است.

این داستان تأکید می‌کند که دانش و نزدیکی به خداوند، تنها زمانی ارزشمند است که با تقوا و پیروی از حق همراه باشد

و اینکه مردم نباید هیچگاه به طور مطلق و بدون تفکر از کسی اطاعت کنند زیرا هر لحظه آدمی با لحظه دیگر فرق می کند.

حال آنکه بسیاری از روحانیون علم و مقام دینی هم ندارند و فقط ادعای آن را یدک می کشند، همانگونه که بلعم باعورا در برابر حضرت موسی ایستاد، طبق روایات زمان ظهور روحانیون برعلیه امام زمان قیام می کنند.

### حمایت کلیسا از پادشاهان

نوعی دیگر از استفاده ابزاری از دین توسط روحانیون مسیحی به صورت سیستماتیک شکل گرفت، حمایت کلیسا از پادشاهان و ثروت اندوزی یکی از عوامل کلیدی در شکل گیری نارضایتی های مردمی و زمینه ساز جنبش های مختلفی بود که در نهایت به جدایی دین از سیاست و قیام های اجتماعی منجر شد. در ادامه به بررسی این موضوع و تأثیر آن بر قیام مردم و حمایت از جدایی دین و سیاست پرداخته



می‌شود. در قرون وسطی، کلیسای کاتولیک در اروپا قدرت فوق‌العاده‌ای داشت. این قدرت نه تنها به امور دینی محدود نمی‌شد، بلکه کلیسا به یکی از بازیگران اصلی در سیاست و امور دولتی تبدیل شده بود. کلیسا و پادشاهان در یک سیستم متقابل عمل می‌کردند، به این معنا که کلیسا مشروعیت دینی به پادشاهان می‌داد و در عوض، پادشاهان از کلیسا و روحانیون حمایت مادی و نظامی می‌کردند. این اتحاد به نفع هر دو طرف بود:

پادشاهان به دلیل دریافت تأیید کلیسا، می‌توانستند از نظر دینی مشروعیت خود را در میان مردم تقویت کنند. از آنجا که کلیسا قدرت معنوی داشت و مردم عموماً به آموزه‌های مذهبی ایمان داشتند، حمایت کلیسا باعث می‌شد که حکومت‌های پادشاهی به عنوان حکومت‌های مشروع و بر حق تلقی شوند.

کلیسا از این روابط به عنوان ابزاری برای گسترش نفوذ خود در تمام جنبه‌های زندگی مردم و دولت‌ها استفاده می‌کرد.

کلیسا از پادشاهان امتیازات ویژه و مختلفی از جمله زمین، ثروت و قدرت نظامی دریافت می‌کرد.

کلیسا یکی از بزرگترین مالکان زمین در اروپا بود و از طریق وقف‌ها، مالیات‌های مذهبی مانند عشر (ده درصد از درآمد مردم)، و هدایای شخصی، کلیسا را به یک نهاد بسیار ثروتمند تبدیل کرد. در بسیاری از مناطق اروپا، کلیسا نه تنها در امور مذهبی بلکه در امور اقتصادی و مالکیت اراضی نیز دخالت داشت. این نفوذ اقتصادی شامل موارد زیر بود:

فروش آمرزش‌نامه‌ها : یکی از ابزارهای اصلی کلیسا برای جمع‌آوری ثروت، فروش "آمرزش‌نامه" بود. آمرزش‌نامه‌ها به مردم فروخته می‌شدند با این وعده که با خرید آن‌ها، گناهان بخشیده می‌شوند و یا مدت زمان عذاب در دوزخ کاهش می‌یابد. این سیستم باعث شد که کلیسا ثروت زیادی جمع‌آوری کند اما در عین حال فساد و نارضایتی در جامعه افزایش یافت.

مالیات‌های کلیسا : کلیسا مالیات‌های مذهبی مانند عشر (۱۰٪ از درآمد کشاورزی) را از کشاورزان و زمین‌داران دریافت

می‌کرد. این مالیات‌ها برای بسیاری از مردم سنگین بود، به ویژه در زمان‌های بحران اقتصادی و قحطی فشار زیادی را بر مردم تحمیل می‌کرد.

کنترل بر اراضی : کلیسا به یکی از بزرگترین مالکان اراضی در اروپا تبدیل شده بود. بسیاری از اراضی و مزارع تحت کنترل کلیسا بودند، و این به آن‌ها قدرت اقتصادی و نفوذ بیشتری می‌داد.

### فساد در میان روحانیون

در قرون وسطی، فساد در میان برخی از اعضای کلیسا به شدت گسترش یافته بود. سطح زندگی روحانیون بالاتر از سایر مردم بود و در بسیاری از موارد از جایگاه و قدرت خود سوءاستفاده می‌کردند.

فساد کلیسا شامل موارد زیر بود:

زندگی لوکس روحانیون : بسیاری از اسقف‌ها و پاپ‌ها در کاخ‌های مجلل زندگی می‌کردند و سبک زندگی بسیار مجلل

و اشرافی داشتند. این موضوع در تضاد مستقیم با اصول دینی مانند زهد و فقر بود که کلیسا به مردم آموزش می‌داد.

**منصب‌فروشی :** یکی از بزرگترین مشکلات در کلیسا، منصب‌فروشی بود که در آن روحانیون مقام‌های دینی مانند اسقفی یا کاردینالی را به بالاترین پیشنهاددهنده می‌فروختند. این امر باعث می‌شد که افرادی بی‌صلاحیت و گاهی فاسد در مقام‌های بالای کلیسا قرار گیرند.

### تأثیر فساد کلیسا و حمایت از پادشاهان بر قیام مردم

کلیسای کاتولیک به عنوان نهادی که از پادشاهان و حکومت‌های سلطنتی حمایت می‌کرد، در مرکز توجه و انتقادهای بسیاری قرار گرفت. فساد کلیسا و نفوذ زیاد آن بر سیاست، یکی از دلایل اصلی بروز جنبش‌های اصلاح‌طلب مذهبی و اجتماعی در اروپا بود. مهم‌ترین این جنبش‌ها عبارتند از:

## جنبش اصلاحات پروتستانی

یکی از مهم‌ترین و مستقیم‌ترین واکنش‌ها به فساد کلیسا و نفوذ آن در سیاست، جنبش اصلاحات پروتستانی بود که در قرن ۱۶ میلادی توسط مارتین لوتر آغاز شد. وی که یک راهب آلمانی بود، در سال ۱۵۱۷ با انتشار تزی علیه فروش آمرزش‌نامه‌ها و فساد کلیسا، خواستار اصلاحات در کلیسای کاتولیک شد.

لوتر معتقد بود که کلیسا با ثروت‌اندوزی و سوءاستفاده از قدرت، از آموزه‌های حقیقی مسیحیت فاصله گرفته است. او تأکید داشت که رابطه میان فرد و خدا باید مستقیم و بدون واسطه کلیسا باشد. این جنبش به سرعت در اروپا گسترش یافت و به ایجاد فرقه‌های جدیدی مانند پروتستانتیسم منجر شد.

انقلاب فرانسه (۱۷۸۹)، یکی از اهداف اصلی انقلابیون، کاهش قدرت کلیسا و جدایی دین از سیاست بود. کلیسای کاتولیک در فرانسه به عنوان یکی از نهادهای فاسد و حامی

نظام سلطنتی شناخته می‌شد و مردم از نفوذ گسترده آن بر سیاست و اقتصاد خشمگین بودند. انقلابیون فرانسه خواستار پایان دادن به امتیازات ویژه کلیسا، ملی‌سازی اموال کلیسا و تأسیس یک حکومت سکولار بودند.

یکی از اولین اقدامات انقلابیون در این راستا، تصویب قانون اساسی مدنی روحانیان در سال ۱۷۹۰ بود که به کاهش قدرت کلیسا و کنترل دولت بر امور مذهبی منجر شد. این تحولات بخشی از روندی بود که به تدریج به تفکیک دین از دولت و شکل‌گیری جمهوری سکولار در فرانسه منجر شد.

### جنبش‌های آزادی‌خواهی و سکولار

در قرن ۱۸ و ۱۹، با افزایش آگاهی مردم و گسترش ایده‌های روشنگری، جنبش‌های آزادی‌خواهی و سکولار در اروپا و آمریکا به وجود آمدند. این جنبش‌ها به دنبال کاهش نفوذ کلیسا بر سیاست و ایجاد حکومت‌های دموکراتیک بودند. در این دوره، بسیاری از کشورها مانند ایالات متحده، اصل جدایی دین از دولت را در قوانین اساسی خود گنجانند و

به دنبال ایجاد جوامعی با آزادی مذهبی و حکومت‌های غیرمذهبی بودند.

حمایت کلیسا از پادشاهان و ثروت‌اندوزی گسترده آن، به یکی از عوامل اصلی نارضایتی‌های مردمی در اروپا تبدیل شد. کلیسا با استفاده از قدرت دینی خود، از حکومت‌های سلطنتی حمایت می‌کرد و در عین حال با جمع‌آوری ثروت و سوءاستفاده از قدرت، باعث ایجاد فساد گسترده شد. این فساد و دخالت کلیسا در امور سیاسی و اقتصادی، زمینه‌ساز قیام‌های مختلف مردمی مانند جنبش اصلاحات پروتستانی و انقلاب فرانسه شد که در نهایت به جدایی دین از سیاست و شکل‌گیری حکومت‌های سکولار در اروپا و دیگر نقاط جهان منجر شد.

قیام مردم اروپا علیه کلیسا، که به طور عمده در قرن‌های ۱۵ و ۱۶ میلادی در جریان جنبش اصلاحات پروتستان به اوج رسید، نتیجه ترکیبی از عوامل مذهبی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بود. کلیسای کاتولیک قرون وسطایی قدرت عظیمی

بر زندگی مردم اروپا داشت، اما با گذشت زمان، مردم و روشنفکران به تدریج نسبت به برخی از عملکردها و آموزه‌های کلیسا اعتراض کردند. در ادامه به دلایل اصلی قیام مردم اروپا علیه کلیسا می‌پردازیم:

### فساد و سوءاستفاده‌های کلیسا

یکی از دلایل اصلی اعتراضات علیه کلیسا، فساد گسترده در درون کلیسای کاتولیک بود. مقام‌های کلیسا، از جمله پاپ‌ها و اسقف‌ها، در بسیاری موارد به دنبال منافع شخصی بودند و ثروت‌اندوزی می‌کردند. برخی از اسقف‌ها و کاردینال‌ها به جای تمرکز بر مسائل مذهبی و اخلاقی، به مسائل دنیوی و سیاسی مشغول بودند و برای کسب قدرت و ثروت رقابت می‌کردند.

### تمرکز قدرت در دست کلیسا



در اروپای قرون وسطی، کلیسا نه تنها قدرت مذهبی، بلکه قدرت سیاسی و اقتصادی فراوانی داشت. پاپ و دیگر مقام‌های کلیسا در بسیاری از کشورها، از پادشاهان و اشراف قدرتمندتر بودند. کلیسا مالکیت عظیمی از زمین‌ها را در اختیار داشت و به همین دلیل نفوذ اقتصادی گسترده‌ای در جامعه داشت. همچنین، قوانین کلیسا بر زندگی روزمره مردم حاکم بود و دخالت کلیسا در امور قضایی و سیاسی نیز گسترده بود.

این تمرکز قدرت در دست کلیسا، به خصوص در کشورهای که اشراف و پادشاهان در حال تلاش برای افزایش قدرت خود با کلیسا در رقابت بودند، باعث نارضایتی شد. اشراف و پادشاهان می‌خواستند قدرت کلیسا را کاهش دهند و خودشان کنترل بیشتری بر منابع و مردم داشته باشند.

## انحصار علم و فرهنگ در دست کلیسا

در قرون وسطی، کلیسا انحصار علم و آموزش را در دست داشت. تنها مدارس رسمی که به مردم آموزش می‌دادند، مدارس کلیسا بودند و دسترسی به کتاب‌ها و متون علمی نیز عمدتاً از طریق کلیسا امکان‌پذیر بود. کلیسا سعی می‌کرد تفاسیر خود از جهان و طبیعت را به عنوان حقایق مطلق ارائه دهد و هرگونه نظریه یا دیدگاهی که با آموزه‌های رسمی آن در تضاد بود، سرکوب می‌شد.

این مسئله باعث شد که با پیشرفت علم و ظهور دانشمندان و روشنفکرانی که نظریات جدیدی در حوزه‌های فیزیک، ستاره‌شناسی و فلسفه ارائه می‌کردند، تضاد بین علم و دین افزایش یابد. نمونه‌ای از این تضاد، محاکمه گالیله بود. گالیله، به دلیل حمایت از نظریه خورشیدمرکزی کوپرنیک، توسط کلیسا محاکمه و مجبور به انکار نظریاتش شد.

**ظهور جنبش‌های اصلاح‌طلب مذهبی**

یکی دیگر از دلایل قیام علیه کلیسا، ظهور اصلاح‌طلبان مذهبی بود که به آموزه‌های کلیسا انتقاد داشتند و خواستار اصلاحات در درون کلیسا بودند. مشهورترین این اصلاح‌طلبان، مارتین لوتر، ژان کالوین و اولریش تسوینگی بودند.

مارتین لوتر، کشیش و استاد الهیات آلمانی، در سال ۱۵۱۷ با انتشار رساله‌ای به نام ۹۵ تز، اعتراض خود را به برخی از آموزه‌ها و عملکردهای کلیسا، به ویژه فروش بخشودگی‌ها، اعلام کرد. لوتر بر این باور بود که نجات و بخشش تنها از طریق ایمان به خدا و عمل به آموزه‌های کتاب مقدس به دست می‌آید، نه از طریق اعمال دینی رسمی کلیسا یا خرید بخشودگی‌ها. لوتر همچنین بر اهمیت خواندن و درک مستقیم کتاب مقدس تأکید داشت و معتقد بود که هر فردی باید به کتاب مقدس دسترسی داشته باشد و آن را به زبان خود بخواند.

این جنبش اصلاحات مذهبی که توسط لوتر و دیگران آغاز شد، به تدریج به تشکیل شاخه‌های جدیدی از مسیحیت منجر

شد که از کلیسای کاتولیک جدا شدند. این شاخه‌ها، به ویژه پروتستان‌تیسیم، نقش مهمی در کاهش قدرت کلیسا و تغییر ساختار مذهبی و اجتماعی اروپا داشتند.

### فشارهای مالیاتی کلیسا

کلیسا در قرون وسطی نه تنها از قدرت معنوی برخوردار بود، بلکه منابع مالی فراوانی نیز در اختیار داشت. مردم مجبور بودند به کلیسا عشریه (ده درصد از درآمدشان) پرداخت کنند، که به تدریج باعث نارضایتی عمومی شد. در حالی که بسیاری از مردم اروپا در فقر و سختی زندگی می‌کردند، کلیسا ثروت عظیمی انباشته بود و این نابرابری باعث افزایش اعتراضات شد.

### تحولات فکری و فرهنگی رنسانس

دوران رنسانس (قرون ۱۴ تا ۱۷ میلادی) دورانی از شکوفایی علمی، فرهنگی و هنری در اروپا بود که به تدریج

مردم را به تفکر انتقادی و آزادی‌خواهی سوق داد. رنسانس با تأکید بر انسان‌گرایی و تمرکز بر علم، هنر و فلسفه، نوعی بیداری فکری در اروپا به وجود آورد. در این دوره، مردم به نقد آموزه‌های سنتی کلیسا و جستجوی دانش و حقیقت از منابع مختلف روی آوردند. این تحولات باعث شد که مردم دیگر بدون چون و چرا آموزه‌های کلیسا را نپذیرند و به دنبال آزادی‌های فکری و مذهبی بیشتری باشند.

### نقش فناوری در اعتراضات

یکی از عوامل مهم در موفقیت جنبش‌های اصلاح‌طلب مذهبی و قیام‌های ضدکلیسا، اختراع ماشین چاپ توسط یوهانس گوتنبرگ در نیمه قرن پانزدهم بود. این اختراع انقلابی در ارتباطات و نشر دانش ایجاد کرد. پیش از اختراع ماشین چاپ، کتاب‌ها به صورت دستی نوشته می‌شدند و به همین دلیل بسیار گران و نایاب بودند. اما با ماشین چاپ، امکان تولید انبوه کتاب‌ها فراهم شد. این امر به ویژه برای انتشار آثار مارتین لوتر و دیگر اصلاح‌طلبان مذهبی اهمیت داشت.

اندیشه‌های آن‌ها به سرعت در سراسر اروپا منتشر شد و این موضوع به تقویت جنبش‌های اعتراض علیه کلیسا کمک کرد. به همین دلیل روحانیون با پیشرفت علم، دانش و فناوری مخالفند و همه جا در برابر آن می‌ایستند، به طوری که در تمام طول تاریخ هر گاه پیشرفتی رخ داده، باعث رسوایی روحانیون شده است. این قیام‌ها و اعتراضات در نهایت به تغییرات عمیقی در ساختار مذهبی، سیاسی و اجتماعی اروپا منجر شد.

### مهم‌ترین نتایج این قیام‌ها

۱- جنبش اصلاحات منجر به تقسیم مسیحیت به دو شاخه اصلی کاتولیک و پروتستان شد. کشورهای مختلف اروپا به تدریج یکی از این دو شاخه را به عنوان دین رسمی خود پذیرفتند.

۲- کلیسای کاتولیک به مرور زمان کنترل کامل خود بر سیاست، اقتصاد و فرهنگ اروپا را از دست داد و قدرت آن

کاهش یافت و پس از آن شکوفایی علمی بی سابقه ای رخ داد و باعث شد چهره جهان تغییر کنند و رفاهی که تا آن زمان فقط شامل حال روحانیون و پادشاهان می شد، به تمام اقشار مردم تسری یابد و زمینه را برای انقلاب علمی و صنعتی هموار کند.

۳- قیام علیه کلیسا باعث افزایش تقاضاها برای آزادی مذهبی و کاهش دخالت کلیسا در زندگی شخصی مردم شد.

در اسلام نیز قرآن بر آزادی های مذهبی تاکید دارد و در سوره بقره آیه ۲۵۶ می فرماید:

لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ ۗ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ ۗ فَمَنْ يَكْفُرْ  
بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنِ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ ۗ لَأَنفِصَامَ لَهَا ۗ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۲۵۶)

در دین هیچ اجباری نیست. و راه از بیراهه بخوبی آشکار شده است. پس هر کس به طاغوت کفر ورزد، و به خدا ایمان آورد، به یقین، به دستاویزی استوار، که آن را گسستن نیست، چنگ زده است. و خداوند شنوای داناست

۴- با کاهش نفوذ کلیسا بر علم و فلسفه، راه برای پیشرفت‌های علمی و فکری هموارتر شد و دوره‌های بعدی مانند عصر روشنگری و انقلاب علمی و فرهنگی پدید آمدند.

قیام مردم اروپا علیه کلیسا نتیجه تعامل پیچیده‌ای از عوامل مذهبی، اقتصادی، اجتماعی و فکری بود. فساد و تمرکز قدرت در دست کلیسا، سوء استفاده‌های دینی مانند فروش بخشودگی‌ها، انحصار علم و آموزش، و ظهور جنبش‌های اصلاح‌طلب مذهبی، همگی به تضعیف جایگاه کلیسا و آغاز دوره‌ای جدید در تاریخ اروپا منجر شدند. این تحولات تأثیرات عمیقی بر تاریخ جهان گذاشت و راه را برای آزادی‌های فردی، پیشرفت علمی و تغییرات اجتماعی هموار کرد.

جدایی دین از سیاست یا سکولاریسم، یک ایده و مفهوم سیاسی و فلسفی است که به معنای تفکیک امور مذهبی و دینی از امور دولتی و حکومتی است. این ایده با این هدف شکل گرفت که از دخالت نهادهای دینی در سیاست و بالعکس جلوگیری شود تا آزادی مذهبی افراد تضمین شود



و حکومت‌ها بتوانند به صورت بی‌طرفانه و براساس اصول حقوق بشر و دموکراسی اداره شوند، غافل از آن که این جدایی امکان‌پذیر نیست سکولارها ایدئولوژی را با دین اشتباه گرفتند، روحانیون از ایدئولوژی به جای دین و قانون بهره می‌بردند، سکولارها باید قانون جایگزین ایدئولوژی می‌کردند ولیبه اشتباه اقدام به حذف دین کردند ولی ایدئولوژی روحانیون همچنان به حیات خود ادامه داد، این تفکر از تحولات فکری و سیاسی خاصی در تاریخ اروپا و دنیای غرب نشأت گرفت که در ادامه به تفصیل توضیح داده می‌شود.

### زمینه‌های تاریخی ایده جدایی دین از سیاست

پیش از ظهور سکولاریسم، در بیشتر تمدن‌ها و جوامع، دین و سیاست به شکلی تنگاتنگ با یکدیگر مرتبط بودند. در بسیاری از امپراتوری‌ها، حکومت‌ها مشروعیت خود را از دین یا الهیات می‌گرفتند و روحانیان نقش مهمی در اداره امور دولتی و قانونی داشتند. در اروپا نیز کلیسای کاتولیک

برای چندین قرن نفوذ گسترده‌ای بر سیاست، قانون و جامعه داشت. البته منظور از دین، فقط ادیان الهی نیست بلکه شامل ادیان ساختگی به دست بشر و بت خانه ها نیز می شود ضمن اینکه ادیان الهی نیز توسط بشر برای سوء استفاده دچار انحرافات شدند.

اما در دوران قرون وسطی و به ویژه از قرن ۱۶ به بعد، در پی مشکلات ناشی از فساد کلیسا و جنگ‌های مذهبی در اروپا، فشار برای جدایی دین از سیاست به تدریج افزایش یافت. این تحولات تاریخی به آرامی به شکل‌گیری ایده سکولاریسم منجر شد.

### ریشه‌های فکری و فلسفی سکولار

ایده جدایی دین از سیاست به عنوان یک مفهوم فلسفی و سیاسی، در دوران رنسانس (قرون ۱۴ تا ۱۷ میلادی) و سپس در عصر روشنگری (قرن ۱۷ و ۱۸ میلادی) در اروپا به‌طور جدی شکل گرفت. در این دوران، متفکران و فیلسوفان به دنبال ایجاد تغییرات اجتماعی، سیاسی و فکری بودند که

بتواند از تسلط کلیسا و مذهب بر زندگی عمومی و سیاسی کاسته و به آزادی‌های فردی و حقوق بشر کمک کند.

### نیکولو ماکیاولی

یکی از اولین اندیشمندان مهمی که ایده جدایی دین از سیاست را به‌طور مستقیم مطرح کرد، نیکولو ماکیاولی، فیلسوف و سیاستمدار ایتالیایی (قرن ۱۶) بود. او در کتاب خود با نام شهریار، تاکید کرد که سیاست و حکومت باید به دلایل واقع‌گرایانه و فارغ از ارزش‌های دینی اداره شود. به نظر او، رهبران باید از دین به عنوان یک ابزار استفاده کنند، اما سیاست و حکومت نباید تابع مذهب باشند.

### توماس هابز

فیلسوف انگلیسی توماس هابز (قرن ۱۷) نیز نقش مهمی در پیشبرد ایده جدایی دین از سیاست داشت. در کتاب معروف خود لویاتا، استدلال کرد که برای حفظ صلح و امنیت در

جامعه، قدرت مطلقه باید در دست حکومت باشد و دین نباید در امور سیاسی دخالت کند. هابز به دنبال یک حکومت قوی و متمرکز بود که بتواند بدون دخالت مذهبی‌ها نظم اجتماعی را برقرار کند.

جان لاک، فیلسوف انگلیسی (قرن ۱۷)، یکی از تاثیرگذارترین فیلسوفان در شکل‌گیری ایده جدایی دین از سیاست بود. لاک در کتاب خود "نامه‌ای در باب تساهل"، از آزادی مذهبی و تساهل دینی دفاع کرد و استدلال کرد که حکومت نباید در امور مذهبی دخالت کند و بالعکس، دین نیز نباید در سیاست مداخله داشته باشد. او معتقد بود که حکومت‌ها باید فقط به امور دنیوی و محافظت از حقوق افراد بپردازند و هر فرد باید آزاد باشد که دین خود را بدون فشار حکومت انتخاب کند.

اما تمام این اندیشمندان من جمله جان لاک از این موضوع غافل بودند که احکام دین نیز بر امور دنیوی مردم تاکید می‌کنند و برنامه دارند، وی روحانیون طوری به مردم القا کرده اند که برای داشتن آخرت باید دنیای خود را ویران کنند و

روحانیون کاخ های خود را بر روی همین ویرانه ها می سازند.

فیلسوف فرانسوی منتسکیو در کتاب خود "روح قوانین" به تفکیک قوا تاکید کرد و بر اهمیت جدایی دین از سیاست تأکید داشت. او معتقد بود که برای جلوگیری از استبداد و حکومت های خودکامه، باید نهادهای مختلف حکومت (مانند قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه) از یکدیگر مستقل باشند و همچنین دین نباید بر سیاست و قانونگذاری تأثیر بگذارد.

ولتر، فیلسوف فرانسوی (قرن ۱۸)، یکی از مهم ترین چهره های جنبش روشنگری بود که به شدت از کلیسای کاتولیک و نقش آن در سیاست انتقاد کرد. او معتقد بود که دین باید به زندگی خصوصی مردم محدود شود و حکومت ها نباید تحت تأثیر آموزه های مذهبی قرار گیرند. ولتر از آزادی مذهبی، تساهل دینی و جدایی دین از سیاست دفاع می کرد و به شدت مخالف استبداد دینی بود.

## روشنگری و شکل‌گیری سکولاریسم

عصر روشنگری (قرن ۱۷ و ۱۸ میلادی) دوره‌ای بود که متفکران و فیلسوفان اروپایی به دنبال گسترش ایده‌های عقل‌گرایی، آزادی فردی، حقوق بشر و حکومت‌های مبتنی بر قانون بودند. در این دوران، بسیاری از فیلسوفان مانند روسو، منتسکیو و کانت به لزوم جدایی دین از سیاست و تأکید بر حکومت‌های غیرمذهبی پرداختند. آن‌ها معتقد بودند که دین نباید بر سیاست تأثیر بگذارد و حکومت‌ها باید بر اساس عقل و حقوق طبیعی انسان‌ها اداره شوند.

موضوعی که از نظر متفکران و فیلسوفان مورد غفلت قرار گرفت این است که ادیان الهی نیز براساس عقل و حقوق طبیعی و توانایی انسان‌ها بنا شده‌اند به طوری که حتی ملائکه، جن و انس نیز وقتی در مسائلی که دچار شک و شبهه می‌شدند، برای برطرف شدن شبهه از خدا سوال می‌کردند یا در برخی از امور که مردم توانایی انجام آن را نداشتند، خدا حکم خود را لغو می‌کند، البته پروردگار عالم بر همه چیز آگاه است ولی برخی از امور را برای عبرت

انسان ها انجام می دهد که به روحانیون و حکمرانان بفهماند  
باید جویری بر مردم حکومت کنند که بر انسان ها فشار وارد  
نشود و حقوقشان ضایع نشود، ولی آن ها از فرمان خدا  
سرپیچی کردند، در سوره بقره آیه ۱۸۷ می فرماید:

أَحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثُ إِلَى نِسَائِكُمْ هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ  
لِبَاسٌ لَهُنَّ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَخْتَانُونَ أَنْفُسَكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَ  
عَفَا عَنْكُمْ فَاَلآنَ بَاشِرُوهُنَّ وَابْتَغُوا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَكُلُوا وَ  
اشْرَبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ  
الْفَجْرِ ثُمَّ أَتُمُوا الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ وَلَا تُبَاشِرُوهُنَّ وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ  
فِي الْمَسَاجِدِ تَلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرَبُوهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ آيَاتِهِ  
لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ.

آمیزش جنسی با همسرانتان، در شبِ روزهایی که روزه  
می گیرید، حلال است. آنها لباس شما هستند، و شما لباس  
آنها؛ خداوند می دانست که شما به خود خیانت می کردید؛ [و  
این کار ممنوع را انجام می دادید؛] پس توبه ی شما را پذیرفت  
و شما را بخشید. اکنون با آنها آمیزش کنید و از آنچه خداوند  
به شما اجازه داده بهره مند شوید. و بخورید و بیاشامید، تا

رشته‌ی سپید صبح، از رشته‌ی سیاه [شب] برای شما آشکار گردد؛ سپس روزه را تا شب، کامل کنید و نیز در حالی که در مساجد به اعتکاف پرداخته‌اید، با زنان آمیزش نکنید. این‌ها، مرزهای الهی است؛ پس به آنها نزدیک نشوید! خداوند این چنین آیات خود را برای مردم، روشن می‌سازد تا پرهیزگار شوند.

این ایده‌ها به تدریج به ظهور جنبش‌های سیاسی و اجتماعی منجر شد که به دنبال کاهش قدرت کلیسا و تفکیک امور دینی از دولتی بودند. در نهایت، این تحولات در انقلاب فرانسه (۱۷۸۹) به اوج خود رسید و یکی از نتایج مهم این انقلاب، برقراری حکومت سکولار و کاهش نفوذ کلیسا در سیاست و جامعه بود.

## نمونه‌های تاریخی جدایی دین از سیاست

### انقلاب فرانسه

یکی از مهم‌ترین نقاط عطف در تاریخ سکولاریسم، انقلاب فرانسه بود. در جریان این انقلاب، مردم فرانسه به شدت با



قدرت و نفوذ کلیسای کاتولیک مبارزه کردند و به دنبال کاهش نقش دین در امور دولتی و سیاسی بودند. با تصویب "قانون اساسی مدنی روحانیان" در سال ۱۷۹۰، قدرت کلیسا در فرانسه به طور چشمگیری کاهش یافت و این کشور به یکی از اولین کشورهای جهان تبدیل شد که سکولاریسم را به عنوان یک اصل سیاسی و قانونی پذیرفت.

### ایالات متحده آمریکا

یکی دیگر از نقاط عطف مهم در تاریخ سکولاریسم، ایالات متحده آمریکا بود. در قانون اساسی ایالات متحده که در سال ۱۷۸۷ تدوین شد، اصل جدایی دین از دولت به طور واضح ذکر شده است. اصلاحیه اول قانون اساسی بیان می‌کند که "کنگره نباید هیچ قانونی راجع به تأسیس دین یا ممنوعیت آزادانه اعمال آن وضع کند". این اصل که به عنوان "دیوار جدایی میان کلیسا و دولت" معروف است، باعث شد تا ایالات متحده به یکی از نمونه‌های موفق سکولاریسم در جهان تبدیل شود.

## دلایل اصلی شکل‌گیری ایده جدایی دین از سیاست

### تجربه تلخ جنگ‌های مذهبی

یکی از دلایل اصلی ظهور ایده جدایی دین از سیاست در اروپا، جنگ‌های مذهبی طولانی و خونین بین کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها در قرون ۱۶ و ۱۷ میلادی بود. این جنگ‌ها که به ویژه در کشورهای آلمان، فرانسه و انگلستان رخ دادند، باعث ویرانی گسترده، قتل‌عام‌ها و ناامنی شدید شدند. در نهایت، بسیاری از روشنفکران و سیاستمداران به این نتیجه رسیدند که برای جلوگیری از چنین بحران‌هایی، دین و سیاست باید از هم جدا شوند.

البته باید توجه داشت که جنگ‌ها شاید رنگ دینی یا ملی و... به خود بگیرند ولی در بیشتر مواقع جنگ‌ها به دلیل عطش روحانیون و حکمرانان برای ثروت و قدرت و شهوت بود، چه آنکه حتی بعد از سکولار شدن کشورها جنگ‌هایی به مراتب خونین‌تر شکل گرفت و حتی همین سکولارها برای تشکیل یک حکومت یهودی با تمام توان به میدان آمدند.

## پیشرفت‌های علمی و فلسفی

با ظهور علم مدرن و فلسفه عقل‌گرایانه در دوران رنسانس و روشنگری، بسیاری از متفکران به این نتیجه رسیدند که سیاست و حکومت باید بر اساس عقل و علم اداره شوند و دین نباید بر آن‌ها حاکم باشد. پیشرفت‌های علمی در زمینه‌های مختلف مانند نجوم، فیزیک و پزشکی، به مردم نشان داد که جهان می‌تواند بدون نیاز به توضیحات دینی و مذهبی درک شود.

در باب این موضوع هم باید توجه داشت که باید مسئله دین را از روحانیون جدا کرد، زیرا ادیان به یادگیری و علم تاکید داشتند، ضمن اینکه در دنیای کنونی با اینکه از فواید پیشرفت‌های علمی تمام دنیا بهره می‌برند ولی کشورهای قدرتمند اجازه پیشرفت به کشورهای ضعیف‌تر را نمی‌دهند.

یکی دیگر از عوامل مهم در شکل‌گیری ایده جدایی دین از سیاست، افزایش تقاضا برای آزادی مذهبی بود. در قرون وسطی و اوایل دوران مدرن، بسیاری از جوامع تحت سلطه یک دین خاص بودند و کسانی که از آن دین پیروی

نمی‌کردند، تحت تعقیب قرار می‌گرفتند یا مجبور به تبعید می‌شدند. با رشد جنبش‌های اصلاح‌طلب مذهبی، مانند پروتستانتیسم، و ظهور گروه‌های مختلف مذهبی، نیاز به ایجاد فضایی برای همزیستی مسالمت‌آمیز میان ادیان مختلف به شدت احساس شد. به این ترتیب، متفکران عصر روشنگری به این نتیجه رسیدند که بهترین راه برای تضمین آزادی مذهبی، تفکیک کامل دین از سیاست است.

### جنبش‌های اجتماعی و انقلابی

در قرن ۱۸ و ۱۹، جنبش‌های انقلابی و اجتماعی مختلفی مانند انقلاب فرانسه و انقلاب‌های آمریکا و اروپا، نقش اساسی در پیشبرد ایده جدایی دین از سیاست داشتند. این جنبش‌ها معمولاً به دنبال ایجاد حکومت‌هایی بودند که بر مبنای حقوق بشر، آزادی‌های فردی و حاکمیت قانون عمل کنند و از دخالت دین در امور سیاسی جلوگیری کنند. بسیاری از این انقلاب‌ها به دنبال پایان دادن به تسلط کلیساها و ایجاد جوامع سکولار بودند.

## نمونه‌های معاصر جدایی دین از سیاست

فرانسه یکی از برجسته‌ترین نمونه‌های سکولاریسم در جهان است. پس از انقلاب فرانسه، حکومت فرانسه به‌طور رسمی اصل لائیسیته یا سکولاریسم را به عنوان یکی از اصول اساسی کشور تصویب کرد. این اصل بر این تأکید دارد که دولت فرانسه نباید از هیچ دینی حمایت کند و کلیسا و دین باید کاملاً از امور دولتی جدا باشند. این سیاست همچنان در فرانسه پابرجاست و در قوانین و سیاست‌های عمومی کشور نقش مهمی ایفا می‌کند.

در ایالات متحده آمریکا، جدایی دین از دولت از طریق اصلاحیه اول قانون اساسی تضمین شده است. این کشور یکی از اولین نمونه‌های موفق سکولاریسم بود که با تأکید بر آزادی مذهبی و عدم دخالت دین در حکومت، الگویی برای سایر کشورهای جهان فراهم کرد. در آمریکا، هرگونه حمایت دولتی از یک دین خاص ممنوع است و افراد آزادند که دین خود را انتخاب کنند یا اصلاً دینی نداشته باشند.

ترکیه نیز یکی دیگر از کشورهایی است که در قرن بیستم سکولاریسم را به عنوان یک اصل اساسی در نظام سیاسی خود پذیرفت. پس از سقوط امپراتوری عثمانی و تأسیس جمهوری ترکیه به رهبری مصطفی کمال آتاتورک در سال ۱۹۲۳، اصلاحات گسترده‌ای برای جدایی دین از سیاست انجام شد. آتاتورک معتقد بود که سکولاریسم برای پیشرفت و مدرن‌سازی کشور ضروری است. به همین دلیل، نهادهای مذهبی تحت نظارت دولت قرار گرفتند و نقش دین در آموزش و سیاست به شدت محدود شد.

جدایی دین از سیاست یا سکولاریسم، مفهومی است که از تحولات تاریخی، فلسفی و اجتماعی متعددی در اروپا و جهان غرب نشأت گرفته است. این ایده با هدف ایجاد آزادی مذهبی، جلوگیری از فساد دینی و تضمین بی‌طرفی حکومت در امور مذهبی شکل گرفت. فیلسوفان و متفکرانی مانند ماکیاوولی، هابز، جان لاک، منتسکیو و ولتر نقش مهمی در توسعه این ایده داشتند و جنبش‌های انقلابی مانند انقلاب فرانسه و انقلاب آمریکا این ایده را به واقعیت تبدیل کردند.

سکولاریسم به مرور به یک اصل اساسی در بسیاری از جوامع دموکراتیک جهان تبدیل شد و هنوز هم به عنوان یکی از موضوعات مهم در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی مطرح است.

حمایت روحانیون از پادشاهان و حکومت‌ها در تاریخ معاصر ایران یکی از مسائل مهم و بحث‌برانگیز است. روحانیون نقش قابل توجهی در حمایت از حکومت‌های مرکزی داشته‌اند که گاهی به نفع آن‌ها و گاهی به زیان منافع عمومی و اصول دینی بوده است. در ادامه، به تفصیل این موضوع را شرح می‌دهیم و مثال‌هایی از این حمایت‌ها ارائه می‌کنیم.

### اسلام - روحانیون - دموکراسی

در دوران قاجار (۱۷۹۶-۱۹۲۵)، روحانیون نقش مهمی در تحکیم قدرت سلطنت قاجار داشته‌اند. این حمایت به دلایل مختلفی صورت گرفته است، از جمله حفظ منافع اقتصادی و سیاسی، و همچنین تأثیرات اجتماعی و فرهنگی این حمایت

تا زمانی که جان در تن قاجار بود ادامه داشت اما با نشانه های افول قاجار در کنار رضا خان بودند، تا قاجار از نفس افتاد و در انتقال قدرت از قاجار به پهلوی نقش موثری داشتند، بزرگترین خطای روحانیون اعتقاد به حکومت های مطلقه بود، در صورتی که عمر این نوع حکمرانی ده ها سال قبل از آن به پایان رسیده بود و دیگر کاربرد نداشت به همین دلیل حکومت هایی با این نوع تفکر رو به افول گذاشتند، البته طبق آیات صریح قرآن و تاکید آن بر مشورت و شورا حتی برای شخص پیامبر که وحی الهی متصل بود، نشان دهنده این است که عمر این نوع حکومت ها ۱۴۰۰ پیش به پایان رسیده بوده است. پروردگار در سوره آل عمران آیه ۱۵۹ می فرماید:

فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ ﴿١٥٩﴾

پس به [برکت] رحمت الهی با آنان نرمخو [و پرمهر] شدی و اگر تندخو و سختدل بودی قطعا از پیرامون تو پراکنده می



شدند پس از آنان درگذر و برایشان آمرزش بخواه و در کار[ها] با آنان مشورت کن و چون تصمیم گرفتی بر خدا توکل کن زیرا خداوند توکل‌کنندگان را دوست می‌دارد (۱۵۹)

همچنین در سوره شوری آیه ۳۸ می‌فرماید:

وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ [38]

و کسانی که دعوت پروردگارشان را اجابت کرده و نماز را برپا می‌دارند و امورشان با مشورت در میان آن‌ها انجام می‌گیرد و از آنچه به آن‌ها روزی داده‌ایم انفاق می‌کنند (۳۸)

در حالی که روحانیون که خود را ادامه دهنده راه انبیا می‌دانند نه نرمخو هستند نه به مشورت و شورا اعتقادی دارند و اگر هم شورایی ظاهری تشکیل گردد در نهایت حرف خود را به کرسی می‌نشانند، این اقدامات در طول تاریخ در تمامی کشورها نتایج فاجعه باری به همراه داشته است.

که خدا در سوره آل عمران آیه ۱۸۷ اینگونه آنان را معرفی می‌کند:

وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَتُبَيِّنَهُ لِلنَّاسِ وَاكْرَهُ  
تَكْمُونَهُ فَنَبَذُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ وَاشْتَرَوْا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَبُئْسَ مَا  
يَشْتَرُونَ ﴿١٨٧﴾

و [یاد کن] هنگامی را که خداوند از کسانی که به آنان کتاب داده شده پیمان گرفت که حتما باید آن را [به وضوح] برای مردم بیان نمایند و کتمانش نکنید پس آن [عهد] را پشت سر خود انداختند و در برابر آن بهایی ناچیز به دست آوردند و چه بد معامله ای کردند (۱۸۷)

تأثیر حمایت روحانیون بر حکومت‌ها و جامعه

تأثیر مثبت بر قدرت سلطنت

حمایت روحانیون از سلطنت‌های قاجار و پهلوی به تثبیت و تقویت قدرت شاهان کمک کرد. این حمایت‌ها به شاهان اجازه می‌داد تا با اعتماد به نفس بیشتری به اجرای سیاست‌های خود بپردازند و در مقابل مخالفان سیاسی و اجتماعی مقاومت کنند.

تأثیر منفی بر منافع عمومی

حمایت روحانیون از حکومت‌ها گاهی باعث می‌شد که منافع عمومی و اصول دینی به خطر بیفتند. در بسیاری از موارد، روحانیون به خاطر منافع فردی و گروهی، چشم‌پوشی از فساد و سوءاستفاده‌های مالی و سیاسی را انجام می‌دادند. این امر موجب نارضایتی عمومی و بحران‌های اجتماعی شد.

حمایت روحانیون از سلطنت‌ها در تاریخ معاصر ایران، به دلایل مختلفی از جمله منافع اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بوده است. این حمایت‌ها، در برخی موارد به تثبیت قدرت سلطنت‌ها کمک کرده و در برخی موارد نیز منافع عمومی و اصول دینی را به خطر انداخته است. بررسی دقیق این موضوعات نیازمند توجه به ابعاد مختلف تاریخی، اجتماعی و اقتصادی است که در هر دوره زمانی متفاوت بوده‌اند.

به قول معروف، جایی که آب هست تیمم باطل است، به همین دلیل بیش از این به دوران همکاری روحانیون و پادشاهان در ایران نمی‌پردازیم، که تبدیل به محل اختلاف گردد، پس به دوران حال حاضر می‌پردازیم، که حکومت به صورت

مطلقه در اختیار روحانیون است و تمام مناصب حکومتی را در اختیار گرفته اند، حتی پا را فراتر گذاشته و برای هم گعده ای هایشان عناوین و پست های حکومتی جدیدی ساخته اند تا رفقاییشان از غافله دنیا جا نمانند.

### شباهت‌های بین حکومت روحانیون در ایران و غرب

شباهت‌های بین حکومت روحانیون در ایران (به‌ویژه پس از انقلاب ۱۳۵۷) و دوران حکومت کلیسا در اروپا، به ویژه در دوره قرون وسطی، از نظر نحوه تأثیر ایدئولوژی روحانیون بر سیاست، جامعه و فرهنگ قابل بررسی است. هرچند این دو سیستم در زمینه‌های تاریخی، فرهنگی و مذهبی با یکدیگر تفاوت‌های مهمی دارند، اما شباهت‌هایی وجود دارد که نشان‌دهنده دخالت روحانیون در حکومت و زندگی اجتماعی است. در ادامه به آن اشاره می‌شود:

## اتحاد روحانیون و حکومت

در هر دو نظام، روحانیون در پوشش دینی، به طور مستقیم در اداره امور دولتی و سیاسی نقش ایفا می‌کند. در قرون وسطی اروپا، کلیسای کاتولیک به یکی از قدرتمندترین نهادها تبدیل شد و در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اجتماعی حضور داشت. به طور مشابه، در ایران پس از انقلاب ۱۳۵۷، روحانیون به عنوان اصلی‌ترین نهاد دینی و سیاسی، مسئولیت هدایت حکومت را بر عهده دارند و قوانین و سیاست‌ها بر اساس اصول اسلامی (فقه) تنظیم می‌شود. در هر دو نظام، نهادهای دینی مانند کلیسا در اروپا و حوزه‌های علمیه در ایران، به شکل مستقیم در امور دولتی تأثیرگذار بوده‌اند و تقریباً تمام مناسب مهم حکومتی به روحانیون تعلق گرفته است.

## تأثیر روحانیون بر قوانین

در هر دو سیستم، قوانین کشور بر اساس برداشت‌های منفعت طلبانه روحانیون از دین شکل می‌گیرد. در

حکومت‌های قرون وسطی اروپا، قوانین عمدتاً بر اساس اصول مسیحیت و آموزه‌های کلیسا تنظیم می‌شد. در ایران نیز قوانین کشور به‌ویژه در زمینه‌های حقوقی، اجتماعی و خانوادگی، بر اساس فقه روحانیون تدوین می‌شود.

قوانین جزایی و مدنی ایران: مجازات‌های اسلامی (حدود، قصاص و دیات) و احکام شرعی، همگی نشان‌دهنده پیوند تنگاتنگ دین با قانون‌گذاری است اما با خوانش‌ها و تفسیرهای روحانیون از دین جهت تامین منافع شخصی خودشان برای بهره‌برداری از دین و مردم دارند.

### قدرت روحانیون و تأثیر آن‌ها بر سیاست

در هر دو گروه، روحانیون دارای قدرت گسترده‌ای هستند و از نفوذ بالایی در حکومت برخوردارند. در دوران کلیسای قرون وسطی، پاپ‌ها، اسقف‌ها و دیگر مقامات کلیسایی نه تنها در مسائل مذهبی، بلکه در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی، سیاسی و حتی نظامی نیز دخالت داشتند. به طور مشابه، در ایران نیز روحانیون و نهادهای ایدئولوژیک (در پوشش

مذهبی) ، نقش عمده‌ای نه تنها در اداره کشور بلکه در جزئیات زندگی مردم دارند و حتی دست به تغییر نژادی و تغییر بافت جمعیتی سرزمین ایران با ورود ده ها میلیون افغان و تغییر آرام مذهب از شیعه به وهابی گری زده اند و به دلیل اینکه روحانیون اعتقادی به مشورت و جایگاه شورا ندارند ، معمولاً این دخالت ها به دلیل تصمیمات عجولانه و منفعت طلبانه به فجایع بزرگ و جبران ناپذیر ختم می شوند.

### محدودیت‌های مذهبی و اجتماعی

در هر دو سیستم، برای مشروعیت بخشیدن به محدودیت‌هایی که در جهت منافعشان است، مذهب را سپر قرار داده اند تا منافعشان را بر زندگی اجتماعی مردم تحمیل کنند. در اروپا، کلیسا بر اخلاقیات، شیوه زندگی، و حتی مسائل فردی و خانوادگی مردم نظارت داشت و بسیاری از آزادی‌ها و حقوق فردی با تعالیم کلیسا محدود می‌شد. به‌طور مشابه، در ایران، نظارت و محدودیت‌های روحانیون بر بسیاری از جنبه‌های زندگی عمومی و خصوصی مردم

اعمال می‌شود، از جمله نحوه پوشش، رفتار اجتماعی، فعالیت‌های فرهنگی، رسانه‌ها و حتی فیلترینگ گسترده اینترنت که بر کسب و کار و آموزش مردم تاثیر گذاشت همچنین قوانین حجاب و تفکیک جنسیتی از مواردی هستند که مستقیماً بر اساس اصول ایدئولوژیک تنظیم شده‌اند.

### مخالفت با آزادی اندیشه و عقاید

هر دو نظام، محدودیت‌هایی بر آزادی بیان و اندیشه تحمیل می‌کنند. در اروپا، کلیسا به شدت با هر گونه تفکر یا آموزه‌ای که با تعالیم رسمی ایدئولوژیک مسیحیت در تضاد بود، مخالفت می‌کرد و حتی افرادی مانند گالیله یا جان هوس را به دلیل اختلاف نظر با آموزه‌های کلیسا تحت پیگرد قرار می‌داد. در ایران نیز هرگونه نقد یا مخالفت با روحانیون با واکنش‌های شدیدی مواجه می‌شود و برخی از روشنفکران، نویسندگان، و فعالان اجتماعی به دلیل بیان عقاید مخالف تحت فشار قرار می‌گیرند.



## استفاده از دین برای توجیه قدرت سیاسی

در هر دو سیستم، با استفاده از خرافه از دین به عنوان ابزاری برای توجیه مشروعیت سیاسی استفاده می‌شود. در قرون وسطی، پادشاهان با حمایت کلیسا ادعای مشروعیت الهی می‌کردند و خود را نمایندگان خداوند بر روی زمین می‌دانستند. به‌طور مشابه، در ایران، نیز روحانیون حکومتشان، را به عنوان یک اصل دینی که از طرف خداوند مشروعیت دارد، مطرح می‌کنند و از آن برای توجیه قدرت سیاسی خود استفاده می‌کنند در حالی که هم دین هم فرهنگ مردم ایران این مسائل را نفی می‌کنند به طوری که در شاهنامه فریدون بالعکس روحانیون به جنگ خرافه می‌رود و با دستان خود گردن خرافه را می‌زند، فریدون که در بستر مرگ بود که در بین مردم شایعه شد که فریدون فرشته است، پسر خداست اگر بمیرد سیاه بخت می‌شویم وقتی فریدون از این ماجرا مطلع شد به پسرش گفت به میان مردم برو و بگو:

فریدون فرخ فرشته نبود

ز مشک و ز عنبر سر شسته نبود

80 | افیون ادیان

به داد و دهش یافت این نیکویی

تو داد و دهش کن فریدون تویی

در حالی که روحانیون چه در زمان حیات چه در زمان مرگ با استفاده از ابزار نادانی و خرافه سوء استفاده را از مردم می کنند، اما دین نهایت تلاشش را می کند که مردم را آگاه سازد در حالی که مبنای ایدئولوژیک روحانیون بر خرافه و نادانی مردم گذاشته شده است.

### کنترل بر آموزش و نظام فکری

در هر دو دوره، آموزش و پرورش تحت نظارت نهادهای دینی قرار دارد. در اروپا، کلیسا بر نظام‌های آموزشی کنترل داشت و مدارس و دانشگاه‌ها تحت نظارت کلیسا قرار

می‌گرفتند. آموزش علمی نیز باید مطابق با آموزه‌های دینی بود. در ایران نیز حوزه‌های علمیه و نهادهای دینی نقش مهمی در تعیین جهت‌گیری‌های آموزشی دارند و آموزش ایدئولوژیک در غالب دین بخش جدایی‌ناپذیر از سیستم آموزشی کشور است، به طوری که هر روز تعداد بیشتری از روحانیون به کادر آموزشی اضافه می‌گردند.

باید به این نکته نیز توجه داشت که روحانیون برخلاف توصیه‌های دینی، عقیده‌ای به آموزش نداشته و ندارند، زیرا باعث به خطر افتادن منافعشان می‌شد، ولی بعد از همه گیر شدن و اجباری شدن آموزش، روحانیون نیز به این حوزه ورود پیدا کردند.

### سرکوب مخالفان مذهبی و سیاسی

در هر دو نظام، سرکوب مخالفان مذهبی و سیاسی به‌عنوان یکی از ابزارهای حفظ قدرت به کار گرفته می‌شد. در اروپا، کلیسا دادگاه‌های تفتیش عقاید را برای تعقیب و مجازات مخالفان مذهبی و بدعت‌گذاران برپا می‌کرد. در ایران نیز،

مخالفان روحانیون که به نحوه اداره حکومت اعتراض می کنند، با برخوردهای قضایی و امنیتی مواجه می شوند.

### ثروت اندوزی و نفوذ اقتصادی نهادهای دینی

نهادهای به ظاهر دینی از قدرت اقتصادی بالایی برخوردارند. در قرون وسطی، کلیسا یکی از بزرگترین مالکان اراضی و ثروت‌های عمومی بود و از طریق مالیات‌های مذهبی و هدایای مردمی ثروت زیادی کسب می‌کردند. در ایران نیز، نهادهای که توسط روحانیون اداره می‌شوند مانند بنیادها و موقوفات مذهبی از قدرت اقتصادی بالایی برخوردارند و بر بسیاری از منابع اقتصادی کشور تسلط دارند.

## واکنش‌ها و قیام‌های مردمی علیه قدرت روحانیون

یکی از شباهت‌های دیگر، نارضایتی مردمی و جنبش‌های اعتراضی علیه قدرت روحانیون است. در اروپا، قدرت کلیسا و فساد موجود در آن منجر به جنبش‌های اصلاح‌طلبانه مانند جنبش اصلاحات پروتستانی شد که خواستار کاهش نفوذ کلیسا و ایجاد فضای بیشتری برای آزادی‌های فردی و دموکراتیک بود. در ایران نیز، گروه‌ها و جریان‌های سیاسی و اجتماعی به شدت با نفوذ گسترده روحانیون در سیاست و جامعه مخالفند و خواستار کاهش نقش روحانیون در حکومت هستند. حکومت روحانیون در پوشش دین در ایران و دوران سلطه کلیسا در اروپا، هرچند در بافت‌های تاریخی و فرهنگی متفاوتی قرار دارند، اما شباهت‌های عمده‌ای در نحوه عملکرد و تأثیر آن‌ها بر جامعه و سیاست مشاهده می‌شود. در هر دو سیستم، روحانیون از دین به عنوان ابزاری برای کنترل اجتماعی، قانونی و سیاسی به کار گرفتند و نهادهای دینی نقش عمده‌ای در اداره حکومت و زندگی مردم ایفا می‌کنند. از طرف دیگر، سرکوب مخالفان و

محدودیت‌های اجتماعی و فردی نیز از نقاط مشترک این دو سیستم است که در نهایت به قیام‌ها و جنبش‌های اصلاح‌طلبانه علیه نفوذ دین در حکومت منجر شد.

## فساد روحانیون در ایران

فساد روحانیون، به‌ویژه در برخی از موارد خاص، یکی از موضوعات بحث‌برانگیز است که همواره در جامعه مطرح بوده است. این موضوع بیشتر به مواردی اشاره دارد که برخی از افراد منتسب به نهادهای روحانیت به‌جای پیروی از اصول اخلاقی و دینی، درگیر مسائل فساد مالی، سوءاستفاده از قدرت و رانت‌خواری شده‌اند. با این حال، باید توجه داشت که فساد در هر جامعه و میان هر قشری رخ می‌دهد و این شامل روحانیون نیز می‌شود، با این تفاوت که فساد روحانیون منجر به بدنامی دین می‌شود و سبب آسیب دیدن جامعه طی قرن‌ها می‌شود، همچنین روحانیون فساد را در پوشش دین انجام می‌دهند و در پوشش دین فساد

خود را توجیه می کنند و فساد خود را عین ثواب جلوه می دهند.

### فساد مالی در بنیادها و نهادهای وابسته به روحانیون

برخی از نهادهای مالی و اقتصادی تحت مدیریت روحانیون، مانند بنیادها و نهادهای خیریه، اوقاف و ... با انتقادات گسترده‌ای مواجه شده‌اند. این نهادها که معمولاً دارای ثروت و اموال گسترده‌ای هستند، به دلیل شفاف نبودن عملکرد مالی و اتهامات مربوط به رانت‌خواری و فساد مالی در معرض اتهام قرار گرفته‌اند. یکی از این نهادها، بنیاد مستضعفان است که نقش عمده‌ای در اقتصاد کشور دارد و بارها مورد انتقاد قرار گرفته است.

در برخی از گزارش‌ها، نهادهایی که تحت مدیریت روحانیون قرار دارند، به دلیل عدم شفافیت در درآمدها و مخارج خود، به سوءاستفاده از بودجه‌های عمومی متهم شده‌اند. این

نهادهای به عنوان «اموال عمومی» شناخته می‌شوند، اما به‌طور دقیق تحت نظارت مالی شفاف قرار ندارند.

### اختلاس و سوءاستفاده‌های مالی

در برخی از موارد، افراد منتسب به روحانیت به اختلاس و سوءاستفاده مالی متهم شده‌اند. این افراد شامل فرزندان روحانیون رده بالا و مراجع تقلید نیز می‌شوند.

در پرونده‌هایی مانند پرونده‌های مربوط به فساد بانکی یا اقتصادی، گاهی افراد روحانی یا منتسب به حوزه‌های علمیه نیز دخیل بوده‌اند. این مسئله به کاهش اعتماد عمومی نسبت به نهادهای دینی و مذهبی منجر شده است.

### سوءاستفاده از قدرت و مقام

یکی دیگر از جنبه‌های فساد، سوءاستفاده از قدرت و مقام روحانیون برای منافع شخصی یا گروهی است. روحانیونی



که دارای مقام‌های بالای دولتی یا مذهبی هستند، از قدرت خود برای تسهیل منافع اقتصادی یا سیاسی استفاده کرده و می‌کنند. مقامات روحانی که در جایگاه‌های مهم حکومتی قرار دارند، از نفوذ خود برای دریافت امتیازات اقتصادی، تسهیل وام‌های کلان و قراردادهای تجاری برای خود یا نزدیکانشان استفاده می‌کنند. این نوع از فسادها معمولاً کمتر در رسانه‌ها گزارش می‌شود، اما به‌طور غیررسمی در جامعه شایعاتی در این زمینه وجود دارد. که معمولاً بعد از گذشت مدتی صحت این شایعات تایید می‌شود.

### رانت‌خواری و توزیع ناعادلانه منابع

رانت‌خواری یکی دیگر از مشکلاتی است که به‌ویژه در سیستم اقتصادی ایران مطرح است. برخی از روحانیون و نهادهای وابسته به آن‌ها متهم به بهره‌برداری از رانت‌های اقتصادی و توزیع ناعادلانه منابع هستند. این مسئله به‌خصوص در پروژه‌های اقتصادی و توزیع منابع دولتی به نفع گروه‌های خاص بروز کرده است.

مواردی از توزیع ناعادلانه امکانات اقتصادی و امتیازات خاص به نهادهای وابسته به روحانیت و حوزه‌های علمیه مطرح شده است که به دور از شفافیت و عدالت توزیع شده‌اند.

### فسادهای اخلاقی

یکی از موضوعاتی که به شدت در رسانه‌ها و جامعه مورد بحث قرار گرفته، اتهامات مربوط به فساد اخلاقی برخی از روحانیون است. در برخی از موارد، گزارش‌هایی از سوءاستفاده‌های اخلاقی توسط برخی از روحانیون مطرح می‌شود.

### انتقادهای عمومی و اجتماعی

مردم و برخی از گروه‌های اجتماعی بارها نسبت به فساد و سوءاستفاده از جایگاه دینی توسط برخی از روحانیون اعتراض کرده‌اند. این انتقادات عمدتاً به مسائل مالی، اخلاقی و سیاسی مرتبط است و نشان‌دهنده نارضایتی از روحانیت

است که به جای توجه به مسائل دینی و اخلاقی، درگیر امور دنیوی شده‌اند. علت اصلی این گرایش ها این است که روحانیون برخلاف ائمه که کار را عبادت می دانستند و علاوه بر کار به هدایت جامعه بشری مشغول بوده اند، نماز خواندن یا بیان احکام را شغل محسوب می کنند که باعث فشار مادی به بدنه جامعه شده است و آن دسته از روحانیون هم که به ظاهر مشغول به کار هستند آسیب بیشتری از دسته قبل به جامعه و کشور می زنند زیرا روحانیون فاقد تخصص لازم هستند ولی در تمامی حوزه ها ورود کرده اند و جزو اشخاص تصمیم گیر در آن حوزه ها شده اند ، بدون اینکه علم و درکی از آن موضوع داشته باشند.

### عدم پاسخگویی نهادهای روحانیت به اتهامات

در برابر این اتهامات و ادعاها، نهادهای دینی معمولاً هیچ واکنشی نشان نمی دهند و یا در نهایت تکذیب می کنند ، بدون اینکه توضیحی درباره عملکردشان ارائه دهند و به شفاف سازی بپردازند. با این حال، کمبود شفافیت و عدم

اطلاع‌رسانی صحیح از سوی این نهادها باعث شده است که همچنان بسیاری از مردم به روحانیون به‌عنوان یک قشر قدرت‌طلب و وابسته به منابع اقتصادی نگاه کنند.

فساد روحانیون و سوءاستفاده از جایگاه دینی، اعتماد عمومی را نسبت به نهادهای دینی و مذهبی تضعیف کرده است. در عین حال، باید توجه داشت که این فسادها مختص یک قشر خاص نیست و در هر جامعه‌ای ممکن است رخ دهد. با این حال، برای حفظ اعتبار نهادهای دینی و جایگاه روحانیت در جامعه، نیاز به اصلاحات جدی، شفاف‌سازی و مبارزه با فساد وجود دارد، این فسادها تنها منحصر به مادیات نیست بلکه معنویات را هم به فساد کشیده اند، شهادت را ابزار پیشبرد اهدافشان قرار داده اند، این مقام را به هر که بخواهند عطا می‌کنند و از هر کس بخواهند صلب می‌کنند، مردم و خانواده‌ها را تشویق به جهاد و شهادت می‌کنند ولی خود و خانواده‌هایشان قرن‌هاست که از این فیض محروم مانده اند، برای خودشان با صرف صدها میلیارد تومان یادبودها و تندیس‌های بت‌گونه می‌سازند

در صورتی که دین این کار را نهی کرده و این امور در حالی که بسیاری از مردم جامعه محتاج حداقل های زندگی هستند.

روحانیون زمانی که دچار بیماری می شوند برای درمان و طلب شفا به انگلیس و آمریکا می روند ولی برای شفای قشر مستضعف باز هم از دین مایه می گذارند و آن را بازیچه دست خود می کنند و برای درمان و شفای آنها پرچم امام رضا را برای تبرک و شفا می برند.

روحانیون برای تبلیغ دین به اروپا، آمریکا و مناطق خوش آب و هوا می روند، آرمان خود را هدایت مو بورها و چشم آبی ها قرار داده اند و برای هدایت و رفتن به این مناطق گوی سبقت را از هم ربوده اند، اما دریغ از علاقه ای برای رفتن به مناطق فقیر و بد آب و هوا، زیرا هدایت را برای زیبا رویان لازم و ضروری می دانند.

برای خود رزومه سازی می کنند و لاف کارهایی را می زنند که نکرده اند و زمانی که مورد سوال قرار می گیرند پاسخ می دهند در حال انجام امور زیر بنایی هستیم که در آینده متوجه آن می شوید ولی دهه هاست که نشانی از نتیجه این

امور زیر بنایی دیده نمی شود. خداوند در قرآن کریم سوره آل عمران آیه ۱۸۸ می فرماید:

لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَفْرَحُونَ بِمَا أَتَوْا وَيُحِبُّونَ أَنْ يُحْمَدُوا بِمَا لَمْ يَفْعَلُوا فَلَا تَحْسَبْهُمْ بِمَفَازَةٍ مِنَ الْعَذَابِ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۱۸۸)

البته گمان مبر کسانی که بدانچه کرده اند شادمانی می کنند و دوست دارند به آنچه نکرده اند مورد ستایش قرار گیرند قطعاً گمان مبر که برای آنان نجاتی از عذاب است [که] عذابی دردناک خواهند داشت (۱۸۸)

### نقش روحانیون در آخرالزمان

بر اساس برخی از روایات و احادیث، در دوران ظهور امام مهدی (عج) ، روحانیون و علمای دینی در برابر ایشان موضع می گیرند و حتی در برابر اصلاحات و تحولات ایشان مقاومت کنند. این موضوع در متون مختلف روایی اشاره شده و بیشتر به وضعیت انحراف علما در دوران آخرالزمان مربوط می شود به صورتی که گفته می شود زمان ظهور،

از اسلام فقط نام آن مانده و به قدری در دین انحراف ایجاد شده که زمانی که حضرت بقیه الله، اسلام واقعی را ارائه می کند بسیاری از مردم با آن غریبه اند و دچار شک می شوند. این روایات در منابع شیعه وجود دارد و تفسیرهای مختلفی از آن‌ها ارائه شده است. در ادامه به برخی از این روایات و توضیحاتی پیرامون آن‌ها اشاره می‌کنیم:

### روایات درباره علما در زمان ظهور

یکی از مهم‌ترین روایات در این زمینه، حدیثی از امام جعفر صادق (ع) است که اشاره دارد در زمان ظهور امام مهدی (عج)، علما و روحانیون که در جامعه جایگاه بالایی دارند، علیه او عمل می‌کنند. این حدیث به وضعیت ریاکاری، دنیاطلبی و فساد برخی از علمای دینی اشاره دارد که به دلیل منافع دنیوی خود نمی‌توانند عدالت و تغییرات بنیادین امام زمان (ع) را بپذیرند.

در حدیثی از امام صادق (ع) آمده است:

وقتی قائم (عج) قیام کند، بسیاری از کسانی که تصور می‌کنند از یاران او هستند، از او جدا می‌شوند و در برابر او موضع می‌گیرند، زیرا نمی‌توانند عدالت و اصلاحات او را تحمل کنند.

این روایت اشاره به این دارد که برخی از کسانی که حتی در ظاهر دین‌دار و متدین به نظر می‌آیند، به دلایل مختلف از جمله منفعت‌طلبی، ریا و دنیاگرایی، با امام مهدی (ع) مخالفت کنند.

### علت مخالفت روحانیون با امام زمان (عج)

در توضیح این روایات، معمولاً به دلایل و عواملی اشاره می‌شود که موجب می‌شود برخی از علما و روحانیون در برابر امام مهدی (عج) قرار گیرند. این عوامل عبارتند از:

دنیاطلبی و فساد دینی: علما به جای حفظ تقوا و اصول دینی، به دنیاطلبی و جمع‌آوری ثروت روی می‌آورند. این افراد



نمی‌توانند عدالت مطلق امام مهدی (عج) را بپذیرند و از اصلاحاتی که ایشان به وجود می‌آورد، هراس دارند.

-حفظ منافع شخصی و قدرت: علما و روحانیونی که در دوره‌های پیش از ظهور به قدرت و ثروت دست یافته‌اند، احساس خطر می‌کنند که با ظهور امام مهدی (عج) و عدالت گسترده او، جایگاه و منافع خود را از دست خواهند داد و به همین دلیل با او مخالفت می‌کنند.

-عدم تطابق عقاید و برداشت‌ها: علما که دین را ابزاری برای متاع دنیا قرار داده‌اند با مخالفت حضرت ولی عصر مواجه می‌شوند، این اختلافات باعث می‌شود که این افراد امام زمان (عج) را قبول نکنند و حتی علیه او موضع بگیرند.

## ویژگی‌های علمای فاسد در روایات

در برخی از روایات، ویژگی‌هایی برای علما و روحانیونی که در دوران ظهور در برابر امام زمان (عج) قرار می‌گیرند، ذکر شده است. این ویژگی‌ها شامل موارد زیر است:

-ریاکاری و نفاق : علمایی که در ظاهر دین‌دار هستند، اما در باطن دنبال منافع شخصی و دنیوی خود هستند. در روایات به افرادی اشاره شده که دین را برای منافع دنیوی به کار می‌گیرند و به جای اصلاح جامعه، به فساد آن دامن می‌زنند.

-دوری از اصول واقعی دین : روحانیون از اصول و مبانی واقعی دین دوری می‌کنند و تنها به امور ایدئولوژیک می‌پردازند. این افراد نمی‌توانند عمق آموزه‌های امام مهدی (عج) را درک کنند و به همین دلیل در برابر او مقاومت می‌کنند.

-تأثیرگذاری منفی بر مردم : روحانیون و علما به دلیل جایگاه و نفوذ خود، تأثیر منفی بر مردم می‌گذارند و مردم را از پذیرش امام مهدی (عج) باز می‌دارند. روحانیون مردم را به شک و تردید می‌اندازند و با تحریف حقایق، سعی در انحراف آنان داشتند.

### تأثیر مخالفت علما بر جامعه

مخالفت روحانیون با حضرت بقیه الله بر جامعه تأثیرات منفی زیادی به همراه دارد. به دلیل نفوذی که برخی از علما در میان مردم دارند، باعث گمراهی و سردرگمی مردم می‌شوند. بسیاری از مردم به دلیل اعتماد به علما و روحانیون، نمی‌توانند به راحتی حقیقت را درک کنند و به سوی امام مهدی (عج) جذب نمی‌شوند حتی در به فرمان روحانیون در برابر امام زمان می‌ایستند.

در حدیثی از پیامبر اسلام (ص) نیز به وضعیت علما در آخرالزمان اشاره شده است:

علمای آن زمان بدترین مردم روی زمین خواهند بود. فتنه از سوی آنان آغاز می‌شود و به سوی آنان بازمی‌گردد.

این حدیث نیز به نقش برخی از علما در ایجاد فتنه و انحراف مردم در دوران آخرالزمان اشاره دارد.

بر اساس برخی از تفاسیر، یکی از دلایل مخالفت علما و روحانیون با امام مهدی (عج) به امتحان الهی مربوط می‌شود. در دوران ظهور، مردم و حتی علما و بزرگان دین با امتحانی بزرگ روبه‌رو خواهند شد. کسانی که در دل ایمان واقعی دارند و به دنبال عدالت هستند، امام مهدی (عج) را خواهند پذیرفت، اما کسانی که به دلایل دنیوی و منفعت‌طلبی در دین باقی مانده‌اند، از او رویگردان خواهند شد.

روایات مربوط به مخالفت برخی از روحانیون با امام مهدی (عج) نشان می‌دهد که در دوران ظهور، جامعه با امتحانی بزرگ مواجه خواهد شد که حتی شامل علمای دینی نیز می‌شود. این روایات به خطر دنیاطلبی، ریا و فساد دینی در

میان علما اشاره دارد و تأکید می‌کند که تنها افرادی که به دنبال حق و عدالت هستند، در صفوف یاران امام مهدی (عج) قرار خواهند گرفت.

## احکام

برخی از احکام با وجود صراحت آیات قرآن تغییر ماهیت داده اند مثل مسئله خمس که طبق آیات تنها به قنائم جنگی تعلق می‌گیرد یا احکامی مثل زکات و ...

با تغییر سیستم حکمرانی با وجود اینکه حکومت در دست روحانیون است علاوه بر دریافت خمس و زکات، مالیات نیز از مردم دریافت می‌شود.

آیه مربوط به خمس در قرآن، آیه ۴۱ سوره انفال است:

"وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ ۖ وَلِلْيَتَامَىٰ ۖ وَالْمَسَاكِينِ ۖ وَأَبْنِ السَّبِيلِ ۖ إِن كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّقَىٰ الْجَمْعَانِ ۖ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ"

این آیه به اختصاص یک پنجم (خمس) از غنایم جنگی به خدا و پیامبر و اهل بیت او و همچنین به یتیمان، فقرا و نیازمندان اشاره دارد. همانطور که از آیه مشخص است، خمس فقط به غنائم جنگی تعلق می‌گیرد ولی فقها آن را به تمام دارایی‌های مردم نسبت داده‌اند.

در حالی که خمس در فقه شیعه یک حکم مهم است و به عنوان یک واجب مالی مورد تاکید قرار دارد، در فقه اهل سنت این حکم به طور کلی پذیرفته نمی‌شود. اهل سنت به جای خمس، به زکات به عنوان یکی از ارکان دین اسلام و واجب مالی اعتقاد دارند. در فقه اهل سنت، خمس به عنوان یک حکم جداگانه در نظر گرفته نمی‌شود و بیشتر بر زکات و دیگر احکام مالی تاکید می‌شود.

در حکومت اسلامی، غیرمسلمانان به طور کلی موظف به پرداخت خمس و زکات نیستند. این دو واجب دینی به عنوان احکام خاص مسلمانان در نظر گرفته شده است و تنها بر مسلمانان واجب است که آنها را پرداخت کنند. اما

غیرمسلمانان در قلمرو اسلامی موظف به پرداخت مالیات‌های خاصی هستند که شامل:

-جزیه : مالیاتی که از غیرمسلمانان در حکومت اسلامی دریافت می‌شود. جزیه به عنوان نوعی مالیات در ازای حفاظت و امنیتی که دولت اسلامی برای غیرمسلمانان فراهم می‌آورد، تعیین شده است. این مالیات معمولاً برای کسانی که در قلمرو اسلامی زندگی می‌کنند اما به دین اسلام نپیوسته‌اند، جمع‌آوری می‌شود.

-خراج : مالیات بر زمین‌های کشاورزی که از مالکان غیرمسلمان زمین‌های کشاورزی دریافت می‌شود. این مالیات نیز به دولت اسلامی پرداخت می‌شود.

این مالیات‌ها به منظور تأمین منابع مالی برای دولت اسلامی و حفظ نظم و امنیت عمومی دریافت می‌شوند و با رعایت اصول عدالت اجتماعی و حقوق انسانی، بر اساس قوانین اسلامی و شرایط زمان و مکان مشخص می‌شوند.

در زمان پیامبر برای تامین هزینه حکومت مسلمانان ، خمس و زکات می دادند، غیر مسلمانان خراج و جزیه ، اما در زمان کنونی هم خمس و زکات را واجب کرده اند و هم مالیات می گیرند آن هم بارها و بارها در شکل های مختلف ، در صورتی که خمس و زکات فقط یک بار بر مال می خورد، جدا از این ها مسئله تورم و بی ارزش شدن دارایی مردم و اینکه هر روز مردم فقیرتر می شوند نیز باید اشاره کرد ، به صورت خلاصه می توان گفت مردم ایران هم خمس و زکات را که به مسلمانان تعلق می گیرد را می دهند ، هم خراج و جزیه که به غیر مسلمانان تعلق می گیرد را میدهند ، مالیات هم که برای دنیای مدرن هست نیز به حکومت پرداخت می کنند ، تورم را هم که یکی دیگر از پدیده دنیای مدرن هست هم به بدترین شکل به مردم تحمیل می شود. این ها احکام دینی هستند که همچنان حل نشده باقی مانده اند.



## نکته پایانی :

روحانیون افیون ادیان هستند که برای سوء استفاده از دین به آن ورود کرده اند و این طبقه را به وجود آوردند، بزرگترین سلاح این روحانیون دعوت مردم به نادانی و جهالت و خرافات است. طوری شده که گورستان ها آبادتر از شهرها شده اند.

جدایی دین از سیاست که سکولارها داعیه دار آن هستند و گمان می کنند آن را پدید آورده اند جمله ای اشتباه است ، زیرا دین را روحانیون هزاران سال است که از سیاست جدا کرده اند ، درست این است که بگوییم جدایی ایدئولوژیک روحانیون از سیاست و درست تر آنکه بگوییم جدایی افکار و تفاسیر روحانیون از دین یا سیاست ، زیرا کسانی که امروز شعار جدایی دین از سیاست سر می دهند همانند روحانیون اعتقادی به گفته هایشان ندارند، زیرا در کشورهای کاملاً سکولار شاهد توهین و تمسخر پیامبران هستیم و حتی پا را فراتر گذاشته به کتاب سوزی ادیان دست زده اند، که نام این حرکات را آزادی می گذارند، که مجوز

این توهین ها را نیز سیاسیون سکولار صادر می کنند که مدعی جدایی دین از سیاست هستند و همین سکولارها عامل تشکیل یک حکومت به ظاهر غیر سکولار و یهودی صهیونسم به نام اسرائیل هستند، همان گونه که روحانیون نام دین را بر روی منافعشان می گذارند و از منافعش ارتزاق می کنند، کار صحیح آن است که حساب دین را از روحانیون جدا کنیم و دست روحانیون را از امور کشور کوتاه کرد.

روحانیون حتی امیر المومنین را هم همچون اباعبدالله جهت تامین منافعشان به مسلخ بردند و برای توجیه فساد خود و اطرافیانشان حضرت علی را با دامادهای خود و رفقاییشان قیاس کردند و گفتند همان گونه که پیامبر دامادش را خلیفه بعد از خود قرار داد ما نیز دامادمان را به کار می گماریم، حکم خدا را درباره امیرالمومنین با حکم خود قیاس کردند و به پیامبر تهمت زدند ، آن هم در کشوری که داعیه دار تشیع است و صدایی از هیچکدام از مدعیان نیز در نیامد،

این تندروی ها در هر دوره منجر به سرکوب یک تفکر می شود ، بدون آنکه دلیل اصلی مشکلات از بین برود، زیرا در

دوره ای در خود ایران سرکوب های دینی انجام شد و همگان گمان کردن سرکوب دین سبب پیشرفت و ترقی می شود اما با دیکتاتوری سخت تر از قبل مواجه شدند ، مردم از کرده خود پشیمان شدند و دوباره به دین پناه بردند غافل از آنکه به دین پناه نمی برند بلکه به روحانیون پناه برده اند و امروز دوباره دین را مقصر مشکلات و عقب ماندگی های کشور می دانند و دوباره جامعه به سمت سکولار شدن کشانده شده است ، غافل از آنکه مشکل اصلی روحانیون و تفاسیر و برداشت های غلط آن ها از دین است این سیکل معیوب تا زمانی که مردم خود اقدام به مطالعه و تحقیق درباره دین نکنند ادامه خواهد داشت و نتیجه ای نیز در بر نخواهد داشت. البته جامعه به اشخاص ناصح نیاز دارد، ولی نصیحت باید در چهار چوب دین خدا باشد ، نه دینی که روحانیون به نام خدا و به کام خود ساخته اند و در قرآن سوره آل عمران آیه ۱۰۴ بر آن تاکید می کند،

وَلَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ ۗ وَأُو۟لَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۱۰۴)

باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی، و امر به معروف و نهی از منکر کنند! و آنها همان رستگارانند.

امروز مجدداً در کشورهای سکولار گرایش به دین افزایش یافته ولی متأسفانه در آنجا هم مردم دین را با روحانیون اشتباه گرفته اند و این اشتباه سبب اشتباهات دومینو وار دیگر در طول تاریخ می شود، زیرا مقدس نماها و روحانیون از دین استفاده ابزاری می کنند و در جهت منافعشان استفاده می کنند. در قرآن کریم نیز به مکر این دسته اشاره شده است، آیه‌ای که به موضوع کفایت اقرار به مسلمانی و نهی از کشتن کسی به این بهانه و در جهت به دست آوردن منافع مادی اشاره دارد، در سوره نساء، آیه ۹۴ آمده است:

"يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَتَبَيَّنُوا وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْقَىٰ إِلَيْكُمُ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا تَبْتَغُونَ عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ مَغَانِمٌ كَثِيرَةٌ كَذَلِكَ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلُ فَمَنَّ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَتَبَيَّنُوا إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا"

ترجمه: "ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هنگامی که در راه خدا سفر می‌کنید، تحقیق کنید و به کسی که اظهار اسلام

می‌کند، نگویید که مؤمن نیستی تا بدین وسیله متاع زندگی دنیا را بجویید، زیرا نزد خدا غنیمت‌های فراوان است. شما خودتان نیز قبلاً چنین بودید، پس خدا بر شما منت نهاد، پس تحقیق کنید که خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است."

این آیه تأکید می‌کند که نباید به کسی که اظهار اسلام می‌کند، به دلیل شک و تردید در ایمان او، حمله یا او را بکشید.

در انتها باید به این نکته توجه داشت که هیچ کس نتوانسته بر پایه افکار ایدئولوژیک، تمدنی بنا کند، اما با رونق گرفتن تمدن‌ها و ورود افکار ایدئولوژیک در جامعه، باعث ایجاد توهم و به تباهی کشیده شدن تمدن می‌شوند.

علت گرایش مردم به بی‌دینی این است که می‌گویند هر چه خدا را می‌خوانیم جواب نمی‌دهد اما غافلند که خدا را نمی‌خوانند بلکه در دام ایدئولوژیک روحانیون افتاده‌اند زیرا خدا می‌فرماید:

**بخوانید مرا تا اجابت کنم شما را.**

## منابع :

قرآن کریم

برداشتی از کتاب افیون روشنفکرها

شاهنامه